

خاک ایران از لوث وجود تجاوزگران صدامی پاک خواهد شد

ضربه کوبنده‌ای که ۵ مهرماه، در شمال آبادان، به مواضع مستحکم ارتش متجاوز صدام وارد آمد، یک پیروزی جدی است. این ضربه، که حاصل آن بیش از هزار کشته و بیش از ۱۵۰ اسیر و تعداد زیادی زخمی و مبتلا شدی شدن یک لشکر زید و تقویت شده دشمن، تصرف جاده - های آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز و منطقه شرق کارون و شکستن محاصره آبادان گردید، حائز اهمیت نظامی و سیاسی و روانی است. از نظر نظامی می توان آنرا نقطه عطفی در جنگ تحمیلی دانست، بیانگر بقیه در صفحه ۱۱

بزرگ وطن فروشان «وطن، وطن» می کنند!

نشسته، در تکیه آریانا درغم "وطن" سی تاب است. رضانیم پهلوی هم، که قرار است جلد دوم کتاب پدرش تحت عنوان "مأموریت برای وطنم آمریکا" را بنویسد، در آغوش سادات، در غم "وطن" هوناله را سرداد ما است. و بنی صدر در "وطن" عزیزش فرانسه از عشق "وطن" کف به دهان آورده است...

مدتی است که قیمت "وطن" در بازار ارد - انقلاب فراری ناگهان بالا رفته است. چند صباحی است که همه وطن فروشان حرفه ای میهن - پرست شده اند. در واشنگتن اردشیر زاهدی بیاد "وطن" افتاده، در پاریس بختیار عزای "وطن" را گرفته، در فرانکفورت مدنی دلش بحال "وطن" کباب شده، در لندن اویسی به عزای "وطن"

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

شماره ۹۷ دوره دوم دوشنبه ۱۳ مهرماه ۱۳۶۰ بها ۲۵ ریال

مبارزه در راه ریشه کن کردن امپریالیسم در کشور ما

مبارزه ایست ژرف، همه سوپه و طولانی

صفحه ۶

تاکی در دام امپریالیسم خبری؟

سوسیالیسم و همسایگان انقلابی ما، صرف خواهند کرد؟ آژموده را تاکی باید آژمود؟ ماهیت "امپریالیسم خبری"، این ابزار تبلیغاتی هارترین محافل امپریالیسم جهانی مدت هاست که بر مردم مبارز ایران روشن شده است، هنوز مدت زیادی از راهپیمایی شکوهمند مردم ایران، به نشانه اعتراض به دروغ پراکنی - های پرس "های گوناگون" آمریکایی و اروپایی نمی گذرد.

برخورد "یک بام و دو هوایی" با "امپریالیسم خبری" تاکی ادامه خواهد یافت؟ و تاکی، در همان حال که رهبران و دست - اندرکاران جمهوری اسلامی ایران، "امپریالیسم خبری" را به علت پخش اخبار دروغ، جعل و شایعه پراکنسی، بدترستی مورد حمله قرار می دهند، رسانه های گروهی ما، بطور دربرست غذای حاضر و آماده "امپریالیسم خبری" را در مورد دوستان انقلاب ایران، جبهه جهانی

قاتل من آمریکاست

«پدر، مادر، مردم بدانید قاتل من پاسدار نیست قاتل من حکومت انقلابی نیست قاتل من میخواهید بدانید کیست؟ قاتل من رجوی خائن قاتل من آمریکاست!»

در صفحه ۲

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

- سرنگونی رژیم خون آشام شاه توسط مردم ایران
- عادلانه ترین اقدام بوده است
- دولت کارتر و ریگان

بجنگ اعلان نشده علیه ایران پرداخته اند، تا انقلاب ایران را خفه کنند

رئیس جمهور سوریه آمریکا را دشمن و اتحاد شوروی را دوست می خواند

«آستان» به پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا در خاور دور تبدیل می شود

های اقتصادی، تجاری، علمی و فنی اعلام گردید ولی، با گذشت سالها، اینک آستان عملاً به یک بلوک نظامی تبدیل شده است. این روند تحت بقیه در صفحه ۷

آستان، یک اتحادیه منطقه ای در خاور دور است، که در سال ۱۹۶۷ به وسیله اندونزی مالزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین بنیان گذاری شد. هدف از شالود هر چیزی آستان، رشد و گسترش فزاینده همکاری های کشورهای عضو، در عرصه -

متحدان بنی صدر - مائوئیست های آمریکایی -

اولین وظیفه «رنجبران» منسی کردن آمریکابود

طوفان "گرفته تا" اتحادیه کمونیستها "و... در جبهه متحد ضد انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به فعالیت برای رسانداری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مشغولند. این همکاری تنگ تنگ امروز، محصول هم آوایی -

علیرغم تفاوت شیوه ها به خاطر تقسیم کار - در همه "سیا" ستها گذشته است و ریشه در هماهنگی اعضای جبهه متحد ضد انقلاب در

جبهه متحد ضد انقلاب، که برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام نیروی خود را به کار گرفته، چند سازمان دارد. مائوئیسم این همکار صدیق امپریالیسم، یکی از اصلی ترین بازوهای این جبهه دوزخی است. در حال حاضر همه جناح های رنگارنگ مائوئیستی، از "پیکار گرفته تا" رنجبران، از



شرکت وسیع توده ها در سومین دور انتخابات ریاست جمهوری:

مردم ایران برای ادامه نبرد با آمریکا، مانند همیشه، آماده اند

امیدواریم رئیس جمهور جدید همه کوشش خود را صرف بهبود زندگی مستضعفان کند

رای ما مستحکم دیگری بر دهان دشمنان انقلاب و میهن ماست

عزیزان ارزشمندی را از دست دادیم لیکن هدف به قوت خود باقی است

«امام خمینی» در هفته گذشته شهادت سرداران ارتش جمهوری اسلامی ایران تیمسار سرلشکر ولی فلاحی، تیمسار سرتیپ موسی نامجوی، تیمسار سرتیپ جواد فکوری و قائم مقام سپاه پاسداران یوسف کلاهدوز و فرمانده سپاه پاسداران خونین شهر، جهان آراء و دیگر عزیزان در سانحه هوایی، ضایعه بزرگ و تکان دهنده ای برای ملت قهرمان و رزمنده ما در این لحظات حساس نبرد سرنوشت ساز با صدامیان متجاوز و امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم خونخوار آمریکا بود.

اگر چه از دست دادن این سرداران گران - مایه ضایعه دردناک و تاسف انگیزی است، اما تردیدی نیست که سرداران دیگری از سپاه گران - ناپذیر توده های میلیونی بیخاسته ما جای آنها را خواهند گرفت. ملت قهرمان ما و رزمندگان پاکباز آن هرگز در برابر توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب داخلی و خارجی به هدایت آمریکای جنایتکار با همه با دهنلنگ آن سرخم نخواهند کرد و از دستاوردهای سترگ انقلاب اسلامی، مردمی و ضد امپریالیستی و آزادی و استقلال سرزمین عزیز ما تا پای جان دفاع خواهند کرد. ما با احساس ساندوده عمیق از اسن ضایعه تاسف انگیز، شهادت این سرداران ارزشمند و باوران جانباز و تلاشگر انقلاب را به رهبر فرزانه انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به خانواده ها و بازماندگان همه شهدای این سانحه و مردم قهرمان و زحمتکش ایران صمیمانه تبریک و تسلیت می گوئیم.

در هفته‌ای که گذشت

به یاد سرباز شهید کامران واحدی

شعله‌الله اکبر

بر فراز بلندبیهای "الله اکبر"
اینگ
شعلمای که هرگز خاموش نمی شود.

شهیدم بر قله سرودمی خواند
قامتش را
در سرخی شامگاهان ببینید:
مشعل بر کف
نگران مرزهای وطن
بی خواب جاودانه
پاسدار همیشه!

بر فراز "الله اکبر" و بردامنه‌ها
گل نگرید
چه نیازی به عبور بهار
از این لاله‌زار
که جوانان
خون چکان و خندان
دیرگاه‌هست
از این گردنه‌ها گذشتانند.

سنگ‌سازید
که گلوله
از این اندام‌های بالان
دیوارهای ستبر ایمان
گذر نخواهد کرد.

دهان توپها را ببندید
مسلل‌ها را خاموش کنید
و گوش کنید
پسران ما می خوانند
پسر من است که می خواند

بخوان پسر
بخوان پدرجان
من هم در اینجا
دنباله سرودت را می‌گیرم
و واژه انقلاب را در سرودم با حق می‌کشم
من هم در اینجا
فانوسی در برابر چراغ تو
روشن می‌کنم
تو با مشعل
من با فانوس
تو بر قله من بر بام
راهرا
تا صبح تا نیمروز
روشن می‌داریم

نگاه کن پسر
از همه طرف مشعل‌ها و فانوس‌ها
یک یک از بلندبیها
برمی‌آیند.
و صداها در هم می‌افتند
و دیر یا زود
تاریکی و سکوت
از خانه می‌گریزد.

پسر، پسر
نه می‌خواهم
نه می‌گیرم
که چشم گور و گهواره تو است
می‌پرورمت
زنده می‌دارمت
که نقش تو از گلیم رنج برآمد
و بر سنگستان غربت
حک شد
بخوان پسر
که تا شعلمای بر فراز "الله اکبر" می‌تابد
و تا سرود
از دهانهای بخون شسته می‌تراود
می‌دانم که تو
هستی
می‌دانم آنها هستند
و نیز می‌دانم که پدر تو نیز هست!

۴ مهر ۱۳۶۰
سیاوش کسرائی

بند "ج" را اجرا کنید

نمایندگان "جهاد سازندگی" از سراسر ایران، که در سمینار چهار روزه‌ای شرکت کرده بودند، در این سمینار خواستار شدند:
"ما از مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و کمیته ۱۷ شهریور خواستار اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی به منظور تعیین تکلیف مالکیت‌های نا مشروع زمین و آب و خلع ید از مترفین در زمینه بازرگانی خارجی می‌باشیم." (کیهان - ۴ مهر ۱۳۶۰)

این درخواست از جانب گروهی از زحمتکش ترین و صادق ترین نیروهای انقلاب در شرایطی مطرح می‌شود که بنظر می‌رسد همه شرایط برای تصویب و اجرای بند "ج"، که وزیر کشاورزی در شهریور ماه اعلام کرده بود، تا ده روز دیگر در مجلس مطرح می‌شود، آماده است. اکنون در خواست همفرازی با نمایندگان ایران این است: بند "ج" را تصویب و اجرا کنید!

"خطر شوروی"!

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، که دست نشاندهان خود را در منطقه برای زدن ضربه نهایی به انقلاب‌های منطقه، و در قلب آن انقلاب ایران، مسلح می‌کند، این توطئه را مانند همیشه زیر پوشش "خطر شوروی" انجام می‌دهد. آمریکا حتی بجای دست نشاندهان خود تصمیم می‌گیرد و "خطراتی" را برای آنها "شوروی" معرفی می‌کند. از جمله ریچارد آلن، مشاور امنیت ملی ریگان، گفته است:

"رهبران عربستان برغم بیانیتهای علنی خود، که طی آن اسرائیل را تهدید واقعی می‌دانند، در کم می‌کنند که شوروی تهدید واقعی برای آنهاست... بیانات علنی رهبران عربستان هر چه باشد، مافکرمی کنیم رهبران عربستان نیکمی دانند که تهدید اصلی برای امنیت آنها از جانب شوروی است." (صبح آزادگان، ۴ مهر ۱۳۶۰)

این سخنان نه تنها وقاحت امپریالیسم آمریکا را نشان می‌دهد، بلکه بیانگر این واقعیت است که چگونه

امپریالیست‌های کوشنده اسرائیل را در منطقه از زیر ضربه خارج و شوروی را جان نشین آن کنند.

گامی برای

مبارزه با "امپریالیسم خبری"

سرپرست خبرگزاری پارس، که برای گسترش روابط خبری ایران با خبرگزاری‌های سوریه، لیبی و الجزایر به این کشورها سفر کرده است، در مصاحبه‌ای گفت:

"طرح اصلی ما اینست که برای مقابله با امپریالیسم خبری، سازمان‌های خبری کشورهای دوست باید با هم متحد شوند و در مقابل شبکه بیچیده امپریالیسم خبری خودشان یک شبکه خبری قوی بوجود آورند... هرگاه ما این کشورها را تسلط مستقیم داشته باشیم، می‌توانیم به طور مستقیم و بدون واسطه خبرگزاری‌های امپریالیستی در جریان اخبار یکدیگر قرار بگیریم." (جمهوری اسلامی - ۶ مهر ۱۳۶۰)

باید گفت این از اولین گام‌های ایران برای مبارزه با "امپریالیسم خبری" است. گسترش این بینش می‌تواند رسانه‌های گروهی ایران را از دام "امپریالیسم خبری" برهاند.

آشی که شور شد...

ظاهراً آش در "ایالات متحده آمریکا"، این "مهد آزادی و دمکراسی" جهان آنقدر شور شده، که آشپز هم فهمیده است! هفت تیرکش کاخ سفید، رونالد ریگان، در سخنرانی هفته گذشته خود در نیواورلئان، گسترش جنایت و اعتیاد را برای جامعه آمریکا "فضاخت بار" خواند. او گفت جنایت که به صورت یک "بیماری مسری" در آمریکا درآمده، سالانه ۲۳ هزار قربانی می‌گیرد و هر ساله به یک سوم خانواده‌های آمریکا صدمه می‌رساند. ریگان اعتراف کرد که در آمریکا در هر ۳ دقیقه یک نفر کشته می‌شود و ۹۰ زن مورد تجاوز قرار می‌گیرند. در همین مدت ۶۷ مورد زدی اتفاق می‌افتد، ۹۷ نفر مورد حمله قرار می‌گیرند و ۳۹۹ مورد سرقت مسلحانه انجام می‌شود.

ریگان علت این جنایات را گسترش اعتیاد بین جوانان ۱۸ تا ۲۱ ساله "ذکر کرد. البته نماینده انحصارات صنعتی - نظامی، آمریکا مثل همیشه کوشید که یک معلول دیگر جامعه سرمایه‌داری فاسد آمریکا، یعنی اعتیاد را بعنوان علت جنایات، دزدی‌ها، تجاوزها و سرقت‌ها، که آمریکا را کوردار آن در جهان است، جابزند. اما این واقعیت بر همگان روشن است که رسیدن آمریکا به رکورد جهانی "فضاحت ناشی از سلطه سیستم سرمایه‌داری بر این کشور است و حل آن هم در گرو نابودی سرمایه‌داری است و بس.

آمریکا دست بردار نیست

آمریکا از ایران دست بردار نیست. آمریکا تا وقتی بوزهاش به خاک مالیده نشده، بویژه، تا وقتی در ایران ریشه و پایگاه دارد، ایران را طلب می‌کند، ایران را می‌خواهد. و آمریکا برای دست یابی مجدد به ایران از هیچ توطئه‌ای رویگردان نیست. بر اساس اطلاع دادستان کل انقلاب، هفته گذشته یک شبکه دیگر، که برای براندازی انقلاب تشکیل شده بود، کشف شده است. آقای موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب، در مصاحبه با روزنامه اطلاعات فاش کرد:

"یک شبکه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران کشف شد، که در رأس آن آمریکای جهان‌خوار، مصر و چند کشور عربی بود، و به اصطلاح قصد کودتا در ایران را داشتند. ایادی داخلی این شبکه که عده‌ای نظامی پاکسازی شده و باز نشسته و تعدادی غیر نظامی بودند، به اتفاق رهبران شان قبل از انجام هرگونه عملیاتی شناسایی و دستگیر شدند." (اطلاعات - ۶ مهر ۱۳۶۰)

کشف این توطئه بار دیگر نشان داد که، همانطور که دادستان کل انقلاب در مصاحبه‌های ۷ مهر ۱۳۶۰ گفت:

"آمریکا از ایران دست بر نمی‌دارد توطئه آمریکا همیشه خواهد بود، مگر آنکه انقلاب به آنجا برسد که استعمار جهانی را نابود کند و تا آنجا نرسد، با این توطئه‌ها همیشه مبارزه خواهد کرد."

قاتل من آمریکاست!

بقیه از صفحه ۱

و گفت که خائنین به خون رضائی‌ها از کشتن کودکان هم‌با ندارند. احمد جانفشان وظیفه، در آخرین لحظات حیات، با صدائی که از هجوم گریه می‌لرزید، گفت که چگونه در خانه تیمی او را از خواندن پارهای از یک روزنامه منع کردند. گفت که سیستم مغز شویی "مجاهدین"، سلب قدرت تفکر از اعضا و کورگورانه بردن آنها به مسلخ، چگونه بوده است. و گفت که با چه سرعتی از فروشنده نشریه به یک تروریست تبدیل شده است. احمد جانفشان وظیفه، که خود خواسته بود، وصیت‌نامه‌اش در لحظات قبل از اعدام ضبط تلویزیونی شود، و خود یک "سعادت" دیگر بود، گفت که تاده روز بعد از انتشار وصیت‌نامه "سعادت" از آن خبرندان شده است. گفت که تنها در زندان فرصت اندیشیدن و خواندن یافته‌ها و چهره‌ها با واقعیت دردناک آن‌ها شنا شده است. و همه این سخنان، که از زبان یک کادر فعال و انقلابی "مجاهدین" بیان شد، به اضافه اعترافات "تسریح محبی" یکی دیگر از هواداران مجاهدین، که همان شب پخش شد، بار دیگر مردم ایران را با واقعیت خونین و دردناکی که پیش‌رو آنها نه است، مواجه کرد. بقیه در صفحه ۶

"مجاهدین" بروی انقلاب ایران گشوده است. احمد جانفشان وظیفه، که حضور نزدیک و قطعی مرگ ناچار به سخنانش رنگ تند واقعیت می‌زد، در سخنان خود گفت که چگونه در سازمان مجاهدین فکر کردن، ولو برای نیم ساعت ممنوع بوده است. گفت که حتی خواندن تیتر روزنامه‌ها ممنوع بوده است. گفت که به آنها توصیه شده بود رادیوهای بیگانه را گوش بدهند. گفت که چگونه به شوق مبارزه با امپریالیسم آمریکا به سازمان پیوست، اما هنگامی چشمان خود را گشود که به سود آمریکا می‌رزمید. گفت که ضد انقلابی نبود، اما در یک جریان ضد انقلابی قرار داشت. گفت که برای دفاع از محرومین و زحمتکشان به سازمان پیوسته بود، اما ناگهان خود را در کنار سرمایه‌داران و سلطنت‌طلبان باز یافت گفت که چگونه به آنها دستور دادند، تا از "بنی صدر" حمایت بی‌چون و چرا کنند، هر چند که می‌دانستند، اولیبرال است. گفت که چگونه دستور داشتند هر کس را که مدافع انقلاب بود، در هر حال و در هر شکل، به قتل برسانند. گفت که شهید مهدی رضائی چگونه هنگامی که دریافت، بمبی را که کار گذاشته، سبب قتل عابران می‌شود، برای خنثی کردن آن شتافت و در همان حال دستگیر شد

مردم ایران، نیمه شب دوشنبه ۶ مهر ۶۰، این سخنان تکان دهنده را از زبان احمد جانفشان وظیفه ۲۲ ساله، دانشجو و از اعضای فعال "مجاهدین" شنیدند، که در یک قدمی جوخه آتش ایستاده بود. احمد، بالبانی تسب دار، با چشمانی که از اشک می‌سوخت، با صدائی که در آرزوی زیستن می‌سوخت اما به دهان باز مرگ می‌رفت، با حق گریهای که در آخرین دم حیات فرومی خوردش، اما هنوز آنقدر نیرو داشت که هر کسی را بلرزاند، در همان حال که جوخه اعدام کلنگدن می‌زد، چند بار فریاد زد: "مجاهدین! بخود آئید، بخود آئید! فراموش نکنید قاتل من آمریکا است قاتل من رجوی خائن قاتل من آمریکا است!" این فریاد دردناک، که قلب‌های بسیاری را لرزاند و از چشمان مردم شریف گریه را سرازیر کرد، این صدای آخرین لحظات حیات جان شریفی، که از واپسین دم‌هایش نیرو می‌گرفت، تا خون خود را وثیقه نجات دیگران کند، برگی دیگر از فصل خونینی بود که امپریالیسم آمریکا به دست رهبری خائن

متحدان بنی صدر - مائوئیست های آمریکائی - (۱)

اولین وظیفه رنجبران "منسی کردن آمریکا بود (بقیه)

حزب رنجبران چگونه بوجود آمد؟

"حزب رنجبران یکی از محصولات درخت زهرآگین "مائوئیسم" و حاصل ارتداد رهبری خائن یکن در جنبش کارگری - کمونیستی جهان است.

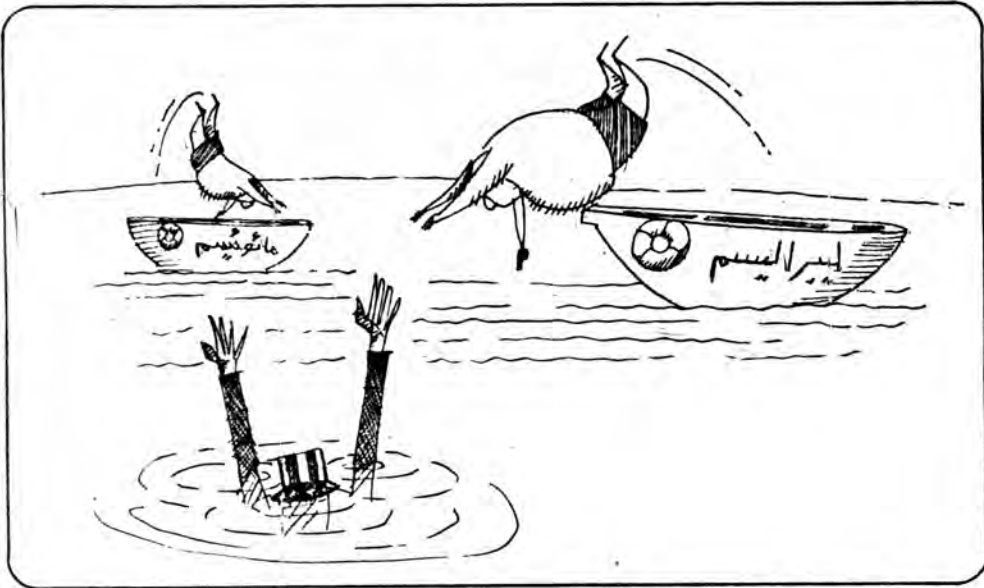
دراوا تل دهه شصت گروهی از دانشجو - یان عضو حزب توده ایران در اروپای غربی، که گرایش مائوئیستی پیدا کرد و صفوف حزب طبقه کارگر ایران را ترک گفته بودند، به اتفاق فریدون کشاورز، که به علت مواضع ضد انقلابی خود از صفوف حزب توده ایران طرد شده بود، اولین کنفرانس خود را برای تشکیل یک سازمان مائوئیستی بنام "سازمان انقلابی" برپا کردند. به دنبال طرد کامل مائوئیسم در پلنوم ۱۱ کمیته مرکزی حزب توده ایران، طرفداران اندیشه مائو، به سرکردگی قاسمی و فروتن، نیز از حزب توده ایران اخراج شدند و به پیوستن به گروه اول، "کنفرانس دوم" را تشکیل دادند و سرانجام "سازمان انقلابی" بوجود آمد. زیاد طول نکشید که بین رهبران اختلاف افتاد و فروتن و قاسمی از "سازمان انقلابی" اخراج شدند و گروهی که نشریه "توفان" را منتشر می کرد، پیوستند و سازمان مائوئیستی "توفان" را بوجود آوردند.

در این هنگام، عدای از رهبران و کادر - های "سازمان انقلابی" ظاهر برای "موزشهای انقلابی" ولی چنان که بعد معلوم شد، برای گرفتن درس خرابکاری و نفاق افکنی در جنبش انقلابی ایران به چین رفتند. راهگشایی این سفرها نیز فریدون کشاورز بود.

یگانه های را نشان گرفته اند: نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

اکنون، بانگهای بهر ویداهای بعد از پیروزی مرحله اول انقلاب در بهمن ۱۳۵۷، روشن میشود که از ویژگیهای ضد انقلاب در ایران آمیختگی و درهم آمیختگی لیبرالیسم و مائوئیسم است. این در آمیختگی گاه چنان است که تفکیک آن از هم آسان نیست. بنی صدر، که کار - نامه خیانت او را در شماره های قبل بررسی کردیم، بهترین نمونه "موجودی" از این دست بود، و "دفتر هماهنگی" او هم بهترین نمونه برای ارگانی از این قبیل به شمار می آید.

در این دفتر، که یکی از کانونهای ضد - انقلاب بود، آش در هم جوشی از مائوئیستها و لیبرالها نظیر احمد سلیمان، فریدون نجاشی، احمد غضنفریور، سوده سدیفی، منوچهر مسعودی و ناصر تکمیل هنجایون و... در کنار هم، یک "سیاست معین" را دنبال می کردند. در این میان نقش مهمی به حزب آمریکا ساخته و پیکن برداخته "رنجبران" سپرده شده بود. این حزب، که بنا بر تقسیم کار میان مائوئیستها، وظیفه پوساندن انقلاب را از درون برعهده داشت، در این دفتر و ارگانهای دیگری که در آنها رخنه کرده بود، وظایف معینی را، که از طرف "سیاست" و "پیکن" بنام سپرده شده بود، از پیش می برد. این "حزب"، که از ابتدا از بیروشن - شعار "نه شرقی، نه غربی" خود را پنهان کرده بود، نیروهای استین پیرو سوسیالیسم علمی را، که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع می - کردند و می کنند، به "عوامفریبی" و "ریاکاری" متهم می کرد. این "حزب"، که در ابتدا خود را



که بیشتر آنها قبلا از "سازمان انقلابی" منشعب شده بودند، "کنگره" ای تشکیل دادند و "حزب رنجبران" را ایجاد کردند.

"حزب رنجبران" با یک کاسه کردن دستگاه - های جاسوسی سیا - پکن در ایران، فعالیت خود را گسترش داد و "رنجبر"، ارگان آن، بجای هفته ای یک شماره، سه شماره در هفته منتشر شد. "سیاست" "رنجبران" همچنان عوام - فریبی و پنهان شدن زیر نقاب دروغین دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود. این "سیاست"، که با دقت و هشجاری یک دستگاه کهنه کار جاسوسی دنبال می شد، متأسفانه در مرحله اول توانست برخی از نیروهای انقلابی مسلمان را بفریبد. در تابستان ۱۳۵۸، که برای اولین بار روزنامه ها و نشریات گروهکهای ضد انقلابی - هم - چنین برخی از نیروهای طرفدار انقلاب با هم توقیف شدند، "رنجبر" تنها نشریه ای بود که انتشار می یافت و فروخته می شد. "رنجبر" سه این "سیاست"، که در مرکز آن برجسته کردن "خطر شوروی"، "خطر حزب توده ایران" و "خطر سازمان فدائیان خلق ایران" (اکثریت) برای خارج کردن آمریکا و متحدان مائوئیست و لیبرالش از زیر ضرب قرار داشت، تا قرار گرفتن بنی صدر در اسارت جبهه متحد ضد انقلاب، ادامه داد.

از روز ۲۰ آبان ۱۳۵۹، بعد از ماجرای دستگیری و آزاد شدن قطب زاده، که بعد معلوم شد، آغاز نقشه آمریکا برای جانشین کردن دولت لیبرالی به جای دولت شهبیدر حائمی بود، "سیاست" "رنجبر" با دفاع از قطب زاده در سرفاصله خود، آرام آرام به سرداشتن نقاب از چهره خود پرداخت. "رنجبر" نوشت:

"صادق قطب زاده، در مصاحبه تلویزیونی خود نکاتی را طرح نمود که گویا دفا نوه دوره از هر - گونه فرصت طلبی بررسی شود. صحبت هائش است که تاکنون در هر گوی و برزنی شنیده می شود. (شماره ۱۲۴ - ۲۰ آبان ۱۳۵۹) "رنجبر"، در همین شماره در مطلب دیگری نوشت:

"بدنبال بازداشت آقای صادق قطب زاده توسط آقای لاجوردی دادستان تهران و رئیس دادگاه انقلاب، موج وسیلی از اعتراض مردم و شخصیت - های سیاسی و مذهبی و نمایندگان مجلس و عده کثیری از بازاریان تهران علیه این اقدام به پاخاسته است. اعتراض کنندگان ضمن تقاضای آزادی هر چه زودتر آقای قطب زاده این اقدام را غیرقانونی نامیده و آن را بعنوان نمونه بارزی از فشار و اختناق که فقط به نفع دشمنان انقلاب می باشد، محکوم کرده اند."

این دفاع از قطب زاده، که هماهنگی کامل با موضع "میزان"، "انقلاب اسلامی"، "بنی - صدر" و "مجاهد" داشت، آغاز دریدن نقاب از چهره "رنجبران" بود. خواننده را چمن در بار دیگر توجه می دهیم که این "سیاست جدید" "حزب رنجبران" همزمان با آغاز نقشه ای بود که از ۲۰ آبان ۱۳۵۹ آغاز شد و در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به شکست انجامید. هدف این نقشه سرنگونی دولت انقلاب و جایگزین کردن جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر بجای آن بود. "رنجبر" "سیاست" حمله به جناح مترقی

سیروسنها وندی، او را طبق نقشه دستگیر کرد و سپس از زندان شهربانی فراری داد و چنین تبلیغ کرد که او با یک عمل قهرمانانه موفق به فرار شده، به "سازمان آزادبخش خلقهای ایران" اسلحه و پول می داد. وظیفه این "سازمان"، که شعبه داخلی "سازمان انقلابی" بود، شکار انقلابیون جوان، جذب آنها به داخل سازمان و سپس سپردن شان به ساواک بود. سیروسنها وندی به این ترتیب موفق شد نزد یک به سی نفر را به جوخه اعدام ساواک سپرد، همین تعداد را در درگیری خیابانی به قتل رساند و در حدود ۳۰۰ نفر را به زندان و شکنجهگاه بفرستد. سیروسنها وندی نیز بعد از پیروزی انقلاب به کردستان گریخت و اکنون

قرار داد راه ترانزیتی شوروی، خطرات زیادی را برای استقلال ایران در بردارد

این قرارداد همچنین صلح منطقه را به خطر انداخته و می تواند علیه مجاهدین افغانی بکار گرفته شود

قرار داد ترانزیت میان ایران و روسیه از مصوب مجلس شورای اسلامی است. بدون آنکه مردم و حتی اکثریت مجلس در حرکات و تواتر احتمالی آن اطلاع داشته باشند. روابط جنگ محمندی برای برابری که اسرائیل روسیه از طریق ماسک سلاحهای رزمی، مبنی بر این اساس از طرف روسیه در دسترس است. همچنین براساس ماده ۱۱ اساسی و اصول برابری و عدم تبعیض در برابر همه شهروندان است. در این قرارداد از طرف ایران آقایان امین الله و منوچهر مسعودی امضا کرده اند. در حالی که در طرف روسیه امضا کرده اند. این قرارداد از ۱۰ خرداد ۱۳۶۰ در تهران به تصویب رسیده است. این قرارداد از ۱۰ خرداد ۱۳۶۰ در تهران به تصویب رسیده است. این قرارداد از ۱۰ خرداد ۱۳۶۰ در تهران به تصویب رسیده است.

وفا دار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام معرفی می کرد، "در لحظه" موعود، که گمان می برد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانه نابودی است، نقاب ز چهره کریه خود برگرفت. "رنجبری" ها، که ابتدا سرسوزنی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تخفیف نمی دادند، به سرعت - در طول دو شماره ارگان خود - تغییر جبهه دادند و آشکارا به جبهه براندازی پیوستند. و این البته از پیروزی های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود که توانست یکی از خطرناکترین و محیل ترین دشمنان خود را رسوا کند. دشمنی که بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، که فعالیت مسلحانه ضد انقلاب برای براندازی انقلاب آغاز شد، خود را از زیر ضرب بیرون کشید و تاکنون، غیر از یکی دو مورد، خبری در باره دستگیری و مجازات رهبران و کادرهای در جمل اول این "حزب"، که نقش عامل مستقیم سیا - پکن را در ایران بازی کرد هومی کند، منتشر نشده است.

به این دلیل و، مهمتر از آن، به دلیل افشای یکی دیگر از خطوط ضد انقلابی، اینک ما به شرح "سیاست" "حزب رنجبران" می پردازیم. ضمن اشاره به این که، در آخرین شماره های "کارنامه بنی صدر"، همخوانی "رنجبر" را با اوود یگر کارگزاران جبهه متحد ضد انقلاب در مورد مسائل مشخص بررسی کردیم. ما بار دیگر، در اینجا به همه نیروهای انقلابی هشدار می دهیم که، "خط رنجبر" شکل - های مختلف و در پوششهای گوناگون فریب، هنوز وجود دارد و به توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ادامه می دهد.

عدای از رهبران و کادرهای "سازمان انقلابی" برای "تماس گیری" با مبارزان داخلی و ایجاد "گروههای ارتزاقی" و "آغاز مبارزه" مسلحانه و "محاصره" شهرها از طریق دهات، به ایران آمدند. اما زیاد طول نکشید که سرولکه همه آنها در تلویزیون شاه خائن پیدا شد، که به مدح و ثنا از رژیم منقور پهلوی می پرداختند، (لاشائی، نیکخواه، با راس نژاد). آنها بعد از طی این مرحله، که اولین آزمایش رژیم شاه برای تبلیغ این امر بود، که "انقلابیون" اشتباهی کنند و تنها راه نجات ایران پیروزی "سیاست مستقل و ملی" شاهنشاهی آریامهر است، به کارگزاران رژیم مبدل شدند. نیکخواه به "تئوریسین" رژیم شاه مبدل شد و بعد از پیروزی انقلاب به سزای خود رسید. لاشائی نیز مسئولیت یکی از دستگاههای جاسوسی شاه را به عهده گرفت و با پیروزی انقلاب به کردستان گریخت و به "گومله" پیوست.

"سازمان انقلابی" بعد از این موفقیت در خدمت به رژیم شاه، ماورا اجرای نقش دیگری شد. سیروسنها وندی، که از رهبران این "سازمان" و چنانکه بعد معلوم شد، از جاسوسان طراز اول ساواک بود، ظاهر مخفیانه به ایران آمد و "سازمان بنام" "سازمان آزادبخش خلقهای ایران" بوجود آورد.

بعد از پیروزی انقلاب، تهرانی، جلاد ساواک، در دادگاه انقلاب فاش کرد که این سازمان در واقع توسط ساواک ایجاد شد و رئیس آن هم بهمن نادری پور تهرانی - از کارگشته ترین جلادان رژیم و متخصص مبارزه با کمونیست ها - بود. ساواک، که برای قهرمان نشان دادن

- کمونرها
- اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر
- سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران (پرولتر)
- گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر
- بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی
- بخشی از گروه انقلابیون مارکسیست - لنینیست
- گروه کمونیستی اندیشک
- محفل مارکسیستی در راه ایجاد حزب کمونیست ایران

در جلسه مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته خواسته شد:

اجراء بند "ج" باید در رأس برنامه های دولت و مجلس

بزرگ وطن فروشان...

بقیة از صفحه ۱

قرار گیرد

نیروهای پیشتاز و نهادهای انقلابی ما است که هر چه سریعتر و با راههای اصولی، منطقی و علمی بر اساس معیارهای یدئولوژیک انقلاب، برای رفع این مشکل اقدام و باشتابی هر چه بیشتر کشور انقلابی را به خودکفایی کشاورزی، صنعتی و نیروی متخصص انسانی رهنمون شوند.

نماینده مردم آستارا در بخش دیگری از سخنان خود به مسئله کشاورزی و لزوم اجرای اصلاحات ارضی عمیقاً انقلابی اشاره کرد و گفت: "در اغلب کشورهای آسیای و افریقای مسئله اصلاحات ارضی در رأس برنامه های اصلاحی شان قرار گرفته است. ما نیز باید به دور از هرگونه اعمال فشار و جوسازی به اصلاحات ارضی واقعی دست بزنیم و زمین را از دست عده های بنام فئودال، که در اقلیت محض هستند در عین حال بیشترین و مرغوبترین اراضی مزروعی و سایر را در اختیار دارند، بگیریم و به دهقانان مستضعفی که همواره بهترین و عمده ترین پشتوانه های انقلاب بوده اند، بدهیم."

ناطق سپس خاطر نشان ساخت: "باید اجراء بند "ج" ویا هر طرح انقلابی دیگر که بتواند دهقانان بی زمین ویا کم زمین را صاحب زمین کند، در رئوس برنامه های دولت و مجلس قرار گیرد."

نماینده مردم آستارا در پایان سخنان خود خواستار توجه بیشتر به جذب نیروی انسانی متخصص، بررسی عوامل عقب ماندگی کشور و نیز کوشش برای تولید بیشتر شد و در ارتباط با تولید بیشتر در زمینه کشاورزی، یادآور شد که افزایش تولید کشاورزی موجب استقلال اقتصادی و نهایتاً تلاشی فئودالیسم، این پایگاه امپریالیسم، خواهد بود.

سومین ناطق پیش از دستور این جلسه آقای محمد هادی برومند، نماینده بروجرد بود. در این حاحجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، طی سخنانی، به بررسی پیروزی اخیر رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه های ماهشهر-آبادان پرداخت و آنرا یک پیروزی عظیم خواند، که ضربه مهلکی بر نیروهای متجاوز صدامی وارد آورد. هاشمی رفسنجانی، ضمن بررسی اثرات نظامی و سیاسی این پیروزی، خاطر نشان ساخت که بنی صدر مانع این پیشروی ها می شد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین با اشاره به حرکات گروهک های ضد انقلابی، مقارن با این پیروزی، آنرا "همکاری حساب شده ای بین غرب، صدام و ضد انقلاب در داخل کشور دانست و احتمال داد که بنی صدر و رجوی نیز محور این همکاری باشند."

در این جلسه ۲ لایحه پیشنهادی مورد تصویب قرار گرفت.

تخریبی را از اساس محکوم میکنیم. با پایان سخنان ناطقین پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد. در این جا ایرادات شورای نگهبان قانون اساسی به برخی از مواد لایحه پاکسازی و بازسازی مطرح شد و پس از بررسی آنها، این مواد با تغییراتی از تصویب نمایندگان گذشت. در این جلسه همچنین دو لایحه پیشنهادی دیگر مورد تصویب قرار گرفت.

لزوم اصلاحات ارضی واقعی

دومین جلسه علنی مجلس روز دوشنبه، ششم مهر ماه تشکیل شد. در این جلسه، پیروزی اخیر نیروهای جمهوری اسلامی ایران در جبهه های نبرد مورد ستایش قرار گرفت. همچنین اجرای بند "ج"، به منظور قطع نفوذ عوامل امپریالیسم

مواضع "نهضت آزادی" در قبال ترورها و بمب گذاریهای اخیر در مجلس محکوم شد

از روستاهای ایران، خواسته شد. اولین ناطق پیش از دستور این جلسه مهدی کروی، نماینده مردم الیگودرز بود. ناطق طی سخنانی اعمال گروهک های ضد انقلابی، چون ترور ایجاد وحشت و تخریب را، اعمالی ضد مردمی و در خدمت آمریکا خواند و یادآور شد که اینگونه اعمال جز خفت و خواری و رانده شدن از سوی جامعه، نصیب دیگری برای عاملین آنها نخواهد داشت.

محمد فرض پور، نماینده مردم آستارا، دومین ناطق پیش از دستور این جلسه بود. ناطق در آغاز سخنان خود یکی از بزرگترین مشکلات کشور را مشکل اقتصادی دانست و در این مورد چنین گفت:

"این مشکل قسمت عمده اش از نظام منحل پیشین به ارث رسیده، که به حکم وابستگی های سیاسی - اقتصادی به قطب های استعماری، نظام انقلابی را که خواهان قطع وابستگی و بی ریزی یک اقتصاد نوین ملی است، دچار مانع میکند."

ناطق آنگاه یادآور شد که: "قسمتی دیگر از این مشکلات ناشی از هرج و مرج بعد از انقلاب و عدم وجود امنیت سیاسی، اقتصادی و قضایی است، که از ویژگی های دوره انتقال است."

ناطق آنگاه گفت: "از تجایی که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی تحقق خواهد یافت، لذا بر

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته دو جلسه علنی داشت. در اولین جلسه اجرای هر چه سریع تر بند "ج" و حضور در صحنه - بین المللی برای مقابله با تبلیغات امپریالیسم، خواسته شد.

مجلس در این هفته همچنین ضمن ستایش از پیروزی های اخیر رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در جبهه های جنوب کشور، ترورها و بمب گذاری های گروهک های ضد انقلابی را در خدمت آمریکا خواند.

هر رأی گلوله ایست بر قلب

شیطان بزرگ

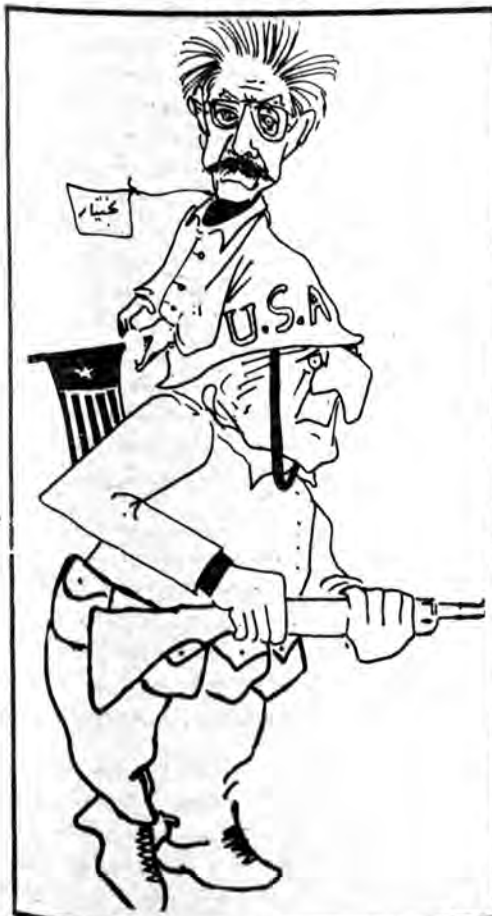
اولین جلسه هفته گذشته مجلس روز یکشنبه ۵ مهر ماه تشکیل شد. اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، بیات، نماینده مردم زنجان، بود. ناطق در آغاز سخنان خود پیشنهادهایی به وزارت امور خارجه، جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر کوشش در جهت اعزام هیئت هایی مختلف به کشورهای جهان، رسیدگی به وضع سفارتخانه ها و نیز حضور در صحنه بین المللی، به منظور مقابله با "تبلیغات امپریالیسم غرب" ارائه کرد.

ناطق، در ارتباط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خاطر نشان ساخت که بعد از انقلاب نتنها در سیاست خارجی کاری نشد، بلکه خیانت هم شد. بیات آنگاه از شورای عالی قضائی خواست که:

"با تهیه لوایح حیاتی انقلاب در قطع ایادی آمریکا کماکان قاطعیت را نشان بدهند. نماینده مردم زنجان در بخش دیگری از سخنان خود از مجلس خواست که در تصویب لوایح مهم، که جنبه زیربنائی دارند، و از جمله لایحه زمین های کشاورزی، کوشش به خرج دهند. ناطق همچنین از رئیس مجلس خواست که وضع ۲۲ نمایندگان، احمد سلامتیان و احمد غضنفر پور، را روشن کند.

دومین ناطق پیش از دستور این جلسه عباس عباسی نماینده مردم میناب بود، که در آغاز سخنان خود، با اشاره به سومین دور انتخابات ریاست جمهوری گفت: "هر رأی، گلوله ایست که به قلب دشمن و بخصوص شیطان بزرگ مینشیند."

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، به مواضع "نهضت آزادی" در قبال ترورها و بمب گذاری های عوامل ضد انقلاب پرداخت، و ضمن اشاره به اینکه "نهضت آزادی"، "خودش را تحت پوشش اسلامی قرار داده است، گفت: "شما چطور دست بر زینسکی را میگیرفتید، اما این ملت ارزش بر زینسکی را ندارد که یکبار دست این ملت را بوسید، بگوئید ما این سازمان های



سرزمینی "وطن" آقایان است که با لتی از آمریکای عزیز و مهربان! "باشد و بتوانند ثروت آن را با سرمایه داران جهانی برادرانه تقسیم کنند او هر وقت هم لازم شد، این را - وطن! را - به شکل پول و طلا در بیاورند، و مثل "میهن پرست بزرگ شاهنشاه آریامهر" (!) آن را بارها و بارها پیمان کنند و فرار را بر قرار ترجیح دهند.

و چون انقلاب شکوهمند مردم ایران دیگر اجازه نمیدهد که آقایان وطن را بفرروشند و ملت را غارت کنند، و چون دیگر اجازه نمیدهد که آقایان وطن دوستان را بکشند و بر ملت دوستان حکومت کنند، و چون وطن پرستان و ملت دوستان "وطن! آقایان را از جنگال خونین آنها بدر آورده اند و وطن خود را از وجود کتیف آنها پاک کرده اند، به عهده کشتی افتادماند، کف به دهان آورده اند و "وطن، وطن" میکنند.

ولی بهتر است آقایان بدانند که مردم قهرمان و انقلابی ایران، که برای نخستین بار صاحب واقعی وطن خود شده اند، همانطور که آنرا با خون خود بدست آورده اند، با خون خود هم آنرا حفظ خواهند کرد. و شما بختیارها، اویسی ها، آریاناها، مدنی ها، امینی ها، رضا نیم پهلوی ها، بنی صدرها، رجوی ها... باز هم "وطن، وطن" کنید، تا داستان بی وطنی و وطن فروشی تان فراموش نشود.

مشعل میهن پرستی و ملت دوستی ایرانیان فداکار، از آن زمان که تاریخ بیاد دارد، از دستی به دست دیگر منتقل شده است. شهدای راه میهن و ملت در طول تاریخ ایران، اینسنگ در قامت شهدای جنگ تحمیلی آمریکائی - صدامی شکوفه می کنند، و عشق به میهن در رگ و پیی آن سرباز گمنامی که میمیرد، تا دشمن را زنده نگذارد، خورشید راه هم آوردی می خواند.

آری، میهن دوستی زحمتکش را با ملت - گزائی سرمایه دارها و نوکران آمریکا زمین تا آسمان تفاوت است. آن یکی جان می دهد، تا میهن سرفراز بماند، این یکی میهن خویش را می دهد، تا چند صباحی تن حقیرش را زنده نگاهدارد و در مرغزار دنیابچرد، راستی هم که اویسی ها، مدنی ها، آریاناها، بختیارها و نیم پهلوی ها... این "وطن!" را چنان دوست دارند که زندگی خویش را فدایش می کنند. این "وطن!" که کاخ های سر به فلک کشیده، میلیارد ها دلار غارت از دسترنج زحمتکش و عیش و عشرت بی پایان نام دارد، وطن واقعی این جلادان است. این "وطن!" که همه ثروت و ذخائرش، همه هست و نیستش از آن "آقایان" باشد، وطن آنانست. این "وطن!" که مردمانش سالیان دراز رنگ پرزک و دارو نبینند و در عوض نیم پهلوی سگش را با هوا پیمای اختصاصی برای معالجه بیاوریا بفرستد، وطن این جباران است.

آن جا که دست آقایان برای کشتار، غارت و شکنجه زحمتکش باز باشد و بتوانند انواع و اقسام وسایل شکنجه از آمریکا، فرانسه، آلمان غربی، و انگلیس وارد کنند... "وطن" اینهاست. و سرانجام آن

آری، بازار مکاره "وطن" حسابی بر ما است! آقایان "وطن دوستان" ظاهراً با هم مسابقه هم گذاشته اند. از فرار فکر کرده اند که "کار تمام است" و از هم پیشی می گیرند که "وطن" را به دست بیاورند و آن را در سینی طلا دوباره تقدیم عمو سام کنند! و به همین دلیل است که نه فقط شرم، عقل هم نمی کنند که به دور و برشان نگاه کنند و ببینند که با پول بیگانه، از رادیوی بیگانه و برای بیگانه دارند "وطن"، "وطن" می کنند. بیگانه ای که اسارتگر و غارتگر وطن ما بود است و میخواهد دوبار اسارتگر و غارتگر وطن ما شود. راستی چگونه است که این بی وطنان، وطن دوست شده اند و این خائنان به ملت، ملت گرا؟ وطن دوستی و ملت گرایی اینان از کدامین نوع است؟

مگر نه این است که رضا خان جلاد را انگلیس ها آوردند، محمد رضا ملعون را آمریکا با پول و باره بر تخت نشاندند و رضایم - پهلوی را هم آمریکائی ها پروراندند و اینک بر زانوی سادات آمریکا بنشیند است؟ آیا جز این است که این تاجداران، تا بودند، دمار از روزگار این ملت در آوردند، و ثروت های این میهن را به باد دادند و در نوکری بیگانه ناسارتگر و غارتگر، آنچه را که فراموش کردند، ملت و میهن بود؟

اردشیر زاهدی کودتاجی، همه کاره اداره اصل چهار آمریکا، جاسوس "سیا"، دست - نشاند هوسها و کیسینجرها و در نهایت غلام حلقه به گوش بزرگ سرمایه داران آمریکایی، از کدام میهن و ملت دم می زند؟ همان میهنی که به باد شرمی داد، همان ملتی که به دار شرمی - آویخت؟

علی امینی، این عامل سرسپرده آمریکا، چه می گوید؟ قرارداد خائنانانه با کنسرسیوم بین المللی نفت را که بست؟ این خائن حیلدگر، که حتی در آخرین لحظات زندگی ننگین شاه آمریکا ثی جان نثاروی بود و بقصد حفظ حکومت شاه در او آخردوران سیا نوی وارد میدان شد، او هم شرم نمیکند و دم از میهن و ملت میزند؟

واما اویسی، جلاد اویسی را کسی نیست که نشناسد. از اویسی که نگوئیم، همین بس که یک "جمعه خونین" به ملت ما به کار است. خون هزاران شهید ۱۷ شهریور به پای او است. کشتار روزهای انقلاب مهر وی را برپای خود دارد. و یکبار که شهیدان انقلاب گواه جنایت های این خائن به ملت و میهن است، هنوز اعلامیه های وی در روزهای حکومت نظامی تهران جلو چشمان ما است. اعلامیه هایی که بوی خون می داد.

زانتی، میدان شهدای ها، اویسی را فراموش می کنند؟! آریانا، این فاشیست بی وطن را چطور؟

واما "شاه" پور بختیار، عضو رهبری جبهه ملی ایران! "رهبر حزب ایران" ملی گرای دوا تشا! "تم کرده" امپریالیسم و نخست وزیر شاه، کسی که بعلت خیانت خود و همکارانش در جبهه ملی، "مقاطعه ساختمان عظیم شرکت ملی نفت" را از دربار پهلوی پاداش گرفت، کسی که با تاسیس شرکت ساختمانی هامون به "ثروت قابل توجهی رسید"، (ص ۳۹ - از کتاب "احزاب بورژوازی ملی ایران در مقابل جانشین کارگری و انقلابی ایران" - نوشته رسول مهریان).

کسی که به خارج فرار کرد، تا به خرج آمریکا و زیر فرمان آمریکا "میهن" را دوباره به جنگ آورد او دیگر چه میگوید؟

آری این رسم تمام شاهان و نوکران آن ها بوده است که با لشکر بیگانه سارتگر و غارتگر به خاک میهن هجوم آورند و مردم خویش را بکشند تا به تخت و جاه رسند.

و این داستان دنباله دارد، بنی صدر دارد رجوی دارد، مدنی دارد، و...

ولی اینان واقعا با اتکا به کدام سابقه فداکاری در راه میهن و ملت، دم از ملت گرایی و میهن دوستی می زنند؟

اگر "شاه" پور بختیار وطن پرست است، پس آن پاسدار گمنامی که در زمین های مین گذاری شده می دود، تا به قیمت تکه شدن خویش، راه را برای یارانش و در هم کوفتن متجاوزین آمریکائی صدامی به خاک میهن باز کند، کیست؟ اویسی، که به خرج صدام آمریکا برای حمله به خاک میهن مزدور تربیت می کند و شاهد ویران شدن سر - زمین میهن و شهید شدن فرزندان میهن می - شود و پایکوبی می کند، دوستدار ملت است، یا آن کودک خردسال، که به خویش، به تن عزیزش نارنجک مینهد و خود را به تانک دشمن می زند، تا به بهای دیگر نبودنش، دشمن را از خاک براند؟

اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد

در هفته‌ای که گذشت، اجلاس سونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، کار خود را آغاز کرد. در این اجلاس نمایندگان ۱۵۵ کشور از همه قاره‌های جهان، که نموداری از افزایش ملی سالهای پس از جنگ جهانی دوم، هر سال بر شمار اعضای سازمان ملل متحد افزوده شده، که این افزایش به حساب رهایی بسیاری از کشورهای آسیای شرقی و کشورهای آمریکای لاتین است. این تغییرات چشمگیر کمیته‌های عضو سازمان ملل متحد در عین حال نمودار بر حسیته تحولات کیفی است که در عرصه جهانی به وقوع پیوسته و طرفدار آزادی و استقلال ملی خلقها و نیروهای خواهان صلح و امنیت، و بهزیان نیروهای امپریالیستی، که مخالف رهایی و استقلال ملی خلقها و امنیت جهانی هستند، صورت پذیرفته است.

دولت امپریالیستی، و در رأس آنها دولت آمریکا، همواره تلاش می‌کنند که فعالیت های این سازمان معنر جهانی را با سیاست سطره حویانه خود دمساز کنند و کوشش های سازنده دول طرفدار استقلال خلقها و هوادار صلح و امنیت جهانی در این سازمان را فلاح سازند. دولت آمریکا با سوء استفاده از قرار گرفتن مقر این سازمان بین المللی در سرزمین آمریکا، تلاش می‌کند که با اعمال خصومت آمیز خود نسبت به کشورهای نواستقلال، در امر تامین شرکت نمایندگان آنان در کارزار گانهای مختلف این سازمان بین المللی، از جمله شرکت در اجلاسهای سونی مجمع عمومی کارشکنی نماید. آمریکا، به منظور تحت فشار قراردادن و تحمیل سیاست خود بر این کشورها هر بار از اهرم "مقررات" برای خودداری از صدور ویزا جهت نمایندگان این کشورها استفاده می‌کند.

تاریخ فعالیت سازمان ملل متحد و شرکت نمایندگان کشورهای نواستقلال تاکنون بارها گواه این سوء استفاده مغرضانه دولت آمریکا بوده، که بسیاری از نمایندگان کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در معرض آن قرار گرفته‌اند.

در شرایط کنونی، که امپریالیسم آمریکا با استفاده از کلیه امکانات و عوامل آشکار و پنهان خود، چه در خارج چه درون کشورها، در تضعیف و براندازی انقلاب شکوهمند ما و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد، در آستانه تشکیل اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز همین اهرم اشکال تراشی را نسبت به معاونان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، که در ترکیب هیئت نمایندگی کشور ما عازم نیویورک بودند، به کار گرفت و آنان را "عناصر نامطلوب" اعلام نمود.

بدون تردید این اقدام مذبحانه امپریالیسم آمریکا مانند زنجیره توطئه‌های آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در برابر موج توفنده نیروی مردم انقلابی ما با شکست مفتضحانه روبرو خواهد شد و هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران، با شرکت خود در کار اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ضمن شناساندن دستاوردهای انقلابی مردم ایران، سیاست تجاوزگرانه و توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا علیه میهن انقلابی ما را در برابر جهانیان رسوا خواهد کرد.

اجلاس سونی شورای امنیت سازمان ملل متحد در شرایطی کار خود را آغاز می‌کند که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم

آمریکا، در تمامی مناطق جهان به تدارکات نظامی گسترده‌ای دست زده، علیه جنبش‌های انقلابی و رهایی بخش اقدام به توطئه و مداخله نظامی می‌کند و با شتاب بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی، بویژه سلاح هسته‌ای و نوترونی، جهان را به ورطه جنگ هسته‌ای ویرانگر نزدیک می‌سازد. و طبیعی است که در چنین شرایطی مسائل مربوط به جلوگیری از جنگ، مهار کردن مسابقه تسلیحاتی و افاشای سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، توطئه‌ها و اقدامات تروریستی آن علیه خلق های

تفسیر وقایع مهم جهان

جهان، از مهمترین مسائلی هستند که مورد بحث و بررسی نمایندگان این مجمع بین المللی



بیلارده آمریکایی

قراری گیرند.

جنابات دولت آمریکا

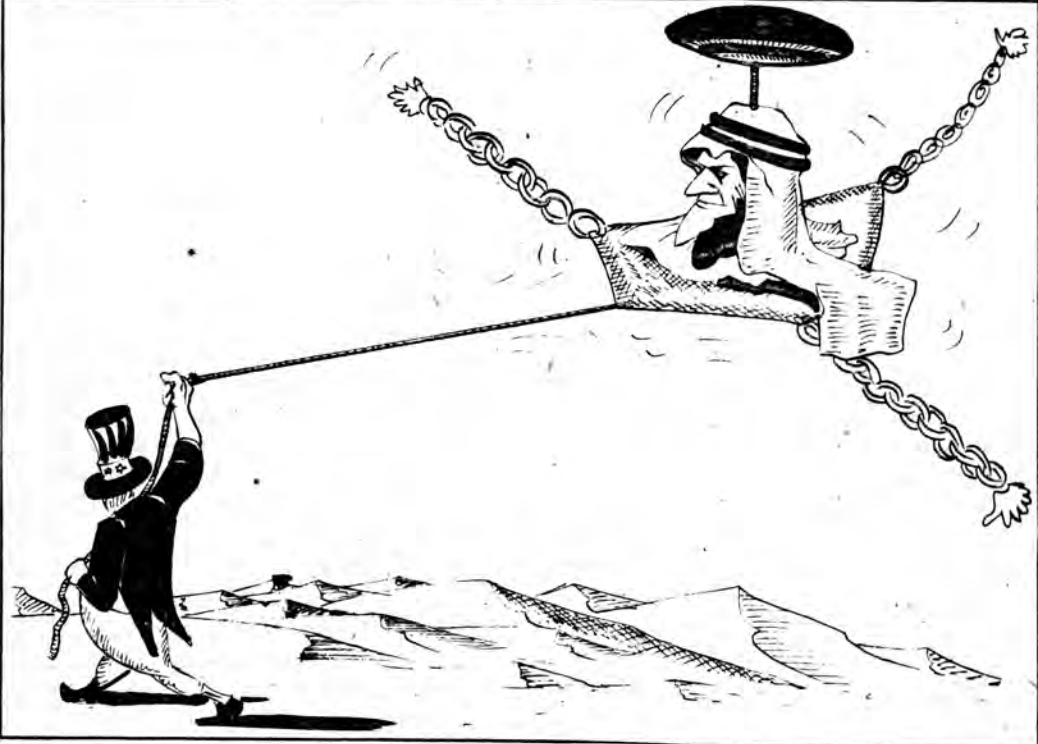
خبرنگار روزنامه آلمانی "کنرال آنتسایگر" چاپ بن، از واشنگتن می‌نویسد که: در سال های جنگ تجاوزگرانه آمریکا علیه ویتنام، از جانب ارتش آمریکا ۱۲ میلیون گالن گاز مسموم کننده در سرزمین ویتنام بوسیله بمب های شیمیایی فروریخته شده است، که علاوه بر کشتار وحشیانه توده‌های مردم، مساحت پهناوری از کشتزارها و جنگلهای این کشور را نابود کرده است. بمباران های شیمیایی آمریکا در ویتنام موجب آن شده است که در حال حاضر بسیاری از نوزادان

رژیم سودان در برابر موج اعتراض خلق

بدنبال اعتلای موج اعتراضات قشار مختلف مردم علیه رژیم جنایت پیشه سادات، که با وجود اقدامات خشونت آمیز و سرکوبگرانه رژیم همچنان ادامه دارد، در ارکان یک رژیم ضد خلقی دیگر در منطقه، یعنی سودان و علیه رژیم دیکتاتوری نظامی جعفر نمیری جنبش توده‌ای اعتراضی اوج گرفت.

خلقهای منطقه تحت تاثیر انقلابهای رهایی بخش روز بروز برای نکنه گاهتر می‌شوند که رژیمهای ضد خلقی حاکم بر آنها، رژیم‌هایی هستند تحمیلی از جانب امپریالیسم آمریکا، که ماموریتشان حفظ و حراست مواضع سیاسی و نظامی و منافع اقتصادی آمریکا در این منطقه و سرکوب هرگونه حرکت رهایی بخش و استقلال طلبانه خلقهاست.

بنابر گزارش خبرگزاری لیبی از خارطوم، رژیم دیکتاتوری "نمیری" در پی تظاهرات توده های مردم به نشانه اعتراض علیه سیاست ضد ملی رژیم حاکم بر کشور، همچنان به پیگرد ها و بازداشت نیروهای میهن دوست و استقلال طلب ادامه می‌دهد. در روزهای اخیر پانصد تن از اهالی کشور به جرم شرکت در تظاهرات بازداشت و مورد پیگرد قرار گرفتند. بطور کلی در جریان تظاهرات ضد رژیم در دو هفته اخیر،



ویتنامی علیل و ناقص الخلقه متولد می‌شوند.

در گزارش خبرنگار روزنامه آلمانی آمده است که علاوه بر این، بر اساس ارزیابی کارشناسان آمریکا، ۱۲ هزار خلبان و خدمه نیروی هوایی آمریکا و ۶ هزار تن از سربازان آمریکایی که در جنگ علیه ویتنام شرکت داشته‌اند، در نتیجه بکاربردن سلاح شیمیایی و گازهای سمی در ویتنام دچار عوارض گوناگون شده‌اند.

با توجه به اعترافات ریگان در مورد جنایاتی که در آمریکا هر روز انجام می‌شود، که شرح آن جداگانه در همین شماره آمده است (ر. ک. در هفته‌ای که گذشت) سیما و اوقی امپریالیسم

آمریکا، که سردمداران آنرا "مهد آزادی و دمکراسی" جهان غرب می‌خوانند و خود بی آنکه بویی از انسانیت برده باشند، در مقام دفاع از

حقوق بشری می‌آیند و جنبشهای رهایی بخش خلقها را "تروریسم بین المللی" می‌نامند، در برابر جهان عریان می‌شود.

مورد تأیید رژیم جنایتکار سادات، دولت اسرائیل و فالانژیست‌های لبنان قرار گرفت. این طرح عملاً حق تعیین سرنوشت خلق عرب فلسطین و تحقق آرمان‌های عادلانه آنرا درباره تشکیل دولت مستقل ملی منتفی می‌سازد و از سوی دیگر اشغال سرزمین‌های کشورهای عربی و سرزمین زادبومی خلق عرب فلسطین به دست اسرائیل تجاوزگر را بصورت قانونی در می‌آورد. میتران، رئیس جمهور فرانسه، و تاچر، نخست وزیر انگلیس، در جریان مسافرت خود به منطقه خاورمیانه حمایت خود از این طرح را اعلام نمودند، در حالیکه دول فرانسه و انگلیس بعنوان اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد، زیر قطننامه‌های مکرر شورای امنیت را امضا کرده‌اند و به خوبی میدانند که محتوای اصلی این قطعنامه، که با خواست خلق های عرب، از آن جمله سازمان آزادی بخش فلسطین توافق کامل دارد، عبارتست از: خروج بلا شرط واحدهای ارتش اشغالگر اسرائیل از سرزمین‌های کشورهای عربی و واگذاری حق تعیین سرنوشت و فراهم کردن امکانات لازم جهت تشکیل دولت مستقل ملی خلق عرب فلسطین در سرزمین‌های زاد بومی این خلق. بدین ترتیب دول امپریالیستی فرانسه و انگلیس با پیروی از سیاست توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی اسرائیل و سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا در این منطقه و حمایت از طرح‌های مادهای عربستان سعودی، تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد را، که خود از امضا کنندگان آنها هستند، زیر پای می‌گذارند.

ابومیزر، سخنگوی سازمان آزادی بخش فلسطین، ضمن محکوم کردن طرح هشتم ماده ای عربستان سعودی، اظهار داشت که این طرح مغایر با موازین بین المللی و قطعنامه های سازمان ملل متحد در باره حل و فصل بحران خاور-میانه است. وی افزود: آنچه که باید به عنوان نقطه عطف در حل بحران خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد، تحقق بخشیدن به حقوق خلق عرب فلسطین است.

به مرتکب همین حمایت و پشتیبانی همه دولت امپریالیستی از رژیم صهیونیستی اسرائیل است که این رژیم تجاوزگر همچنان دامنه توطئه‌های نظامی خود علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه را گسترش میدهد.

طی چند روز اخیر واحدهای ارتش اسرائیل در مناطق مجاور با مرزهای سوریه به مانورهای نظامی شبانه، با هدف تحریکات نظامی علیه سوریه دست زدند. در این عملیات ماجراجویانه واحدهایی از نیروی هوایی و زمینی اسرائیل شرکت دارند که از جانب آنان تجاوزهای تحریک آمیزی علیه سوریه انجام میگردد. واحدهای گشتی اسرائیل به روستای تولین نزدیک بندر صور در جنوب لبنان نیز حمله کردند، که در نتیجه از اهالی غیرنظامی این روستا چندتن زخمی شدند. در عین حال هواپیماهای اسرائیل چند بار حریم هوایی لبنان را نقض کردند و به عملیات شناسائی پرداختند.

جلب اسپانیا به پیمان "ناتو"

پیمان نظامی تجاوزکار "ناتو" که، امپریالیسم آمریکا نقش عمده را در آن دارد در پی اعلام گسترش حیطه نفوذ عملیاتی خود به سایر مناطق جهان، تلاش در افزایش اعضای خود دارد.

دیر زمانی است که اسپانیا، بعنوان یک کشور اروپایی، با موقعیت جغرافیائی-استراتژیکی خاص خود، توجه سردمداران و ژنرال‌های جنگ افروز این پیمان نظامی تجاوز کار را به خود جلب کرده است. در دوران اخیر امپریالیسم آمریکا، پس از شکست‌های سیاسی و از دست دادن مواضع نظامی و اقتصادی در مناطق مختلف جهان، به ویژه بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و انقلاب دموکراتیک در افغانستان، که بر اثر آن ضربات جدی جانانه‌ای بر بیکر امپریالیسم آمریکا وارد آمد، آمریکا دامنه تدارکات جنگی خود را در مناطق مختلف جهان گسترش میدهد. بر زمین همین تدارکات جنگی است که جهت جلب اعضای جدید به پیمان "ناتو" و تجهیز نیروهای مسلح این پیمان با سلاح‌های مرکب از

جدید، تلاش‌های پرتب و تاب بکار برده میشود با ورود اسپانیا به جرگه کشورهای عضو "ناتو" نیروی دریائی این کشور درست در اختیار ستاد عملیاتی پیمان "ناتو" قرار خواهد گرفت و سرزمین اسپانیا به پایگاه نظامی آمریکا زیر پوشش پیمان "ناتو"، تبدیل خواهد شد.

متجاوز از ۱۳ هزار تن از نیروهای میهن دوست از جانب ماموران امنیتی و پلیس رژیم نمیری دستگیر و زندانی شده‌اند.

توطئه‌های مداخله گرانه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در جهان و منطقه ادامه دارد

بدنبال سفر میتران، رئیس جمهور فرانسه و تاچر نخست وزیر انگلیس به منطقه خاورمیانه، شرکت دول امپریالیستی فرانسه و انگلیس در توطئه‌های مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه آشکار گردید. طرح هشتم ماده ای عربستان سعودی در مورد حل بحران خاورمیانه، که در واقع دنباله موافقت نامه‌های خائنه کمپ دیوید است و هدف جلب غیر مستقیم تعدادی دیگر از رژیم های ضد خلقی و دست نشانده عربی در این منطقه را به این موافقت نامه‌ها در بر دارد، بیدرنگ

مبارزه در راه ریشه کن کردن امپریالیسم در کشور ما مبارزه ایستادگی، همه سوبه و طولانی

هنوز باید کارهای فراوانی انجام گیرد، تا بتوان از پیروزی بی بازگشت انقلاب سخن گفت

جیمس کارتر، رئیس جمهور پیشین آمریکا زمانی گفت: "ایالات متحده آمریکا از لحاظ استراتژیک از آلمان غربی و ایران نمیتواند صرف نظر کند، زیرا این امر به معنای شکست جهانی او در دراز مدت است."

بهمین جهت ایران در "اولویت" های شیطان بزرگ قرار دارد و بقول برژینسکی، در مورد آن آمریکا نقشه های دهالی پانزده ساله ای حاضر کرده است. اکنون، چنانکه کارشناسان امور آمریکا می نویسند، آمریکا از اشتباهات سیاسی خود درس میگیرد، شرکده های خود را عوض میکند، صورته و محبیلانه و در حای خود به طور وحشتناکی فسی و خونخوار عمل می کند. در واقع از اوایل قرن نوزدهم رخنه عمیق استعمار طلبان انگلستان در ایران شروع شد. این تبلیغ جنس سرویس و بنگاه "ایدئولوژیک" ضمیمه آن، یعنی "فراماسون"، در کلیه قشر های جامعه ما، به ویژه میان اشراف درباری، خانهای عشایر، روحانی نمایان وابسته، بزرگان بزرگ، ملاکسان فئودال، ارباب مطبوعات و قلم رخنه کردند، و فساد شوم خوارانه، متداول زمان نیز این رخنه را آسان میساخت. دوران طولانی انحطاط نظام فئودالی اخلاقیات را، به ویژه در اهل دیوان و "درخانه" (پادربار) به سطح نازلگی کشانده بود.

به تدریج خانواده های بسیاری از اشراف در آکسفورد و کمبریج درس خواندند و در دامن سرویسهای جاسوسی و لژهای فراماسونی و کلوب های سفید "وابسته" مان بار آمدند. انگلستان در ایران یک شبکه غلیظ از عمال مزدب و حرف شنو به وجود آورد که او را "قبیله حاجات" خود ساخته بودند و نسل اندر نسل در این کشور آقائی کردند و در ناز و نعمت زیستند. خیانت ورزیدند و احترام دیدند. مبین دوستان شریف را نابود کردند و جاه طلبان فاسد را بالا کشیدند.

در دهه های اول قرن بیستم حوادثی رخ داد که رخنه انگلستان و پسر عموی آمریکائی او را در کشور ما به مراتب تقویت کرد: آلمان قیصری، در اثر شکست خود در جنگ جهانی اول، از صحنه کشور ما موقتاً به عنوان رقیب خارج شد. روسیه تزاری در اثر انقلاب بزرگ سوسیالیستی، نفوذ نیرومند گذشته خود را در قشرهای حاکمه درباری از دست داد و سیاست مترقی لنینی هم دیگر به دولت رنجبران اجازه نمیداد که متحد دربار و اشراف و فئودالیسم باشد. به علاوه، انگلستان از ۱۹۰۱ به منابع نفت جنوب دست یافت (قرارداد داری). آمریکا نیز به دست عمالی مانند شوستر و میلیسپو (وابتئویق آن بخشی از اشرافیت قاجاری که در قبال عروج یک دیکتاتور نظامی دست نشانده انگلیس، نسبت به سرنویشت خود متوحش شده بودند)، در ایران سر پل هائسی ایجاد کرد.

ولی بعدها (موافق قرارداد "مونرو") دو پسر عموی انگلوساکسون، دونیمکره زمین را بین خود قسمت کردند و در دوران بین دو جنگ جهانی، انگلستان آقای مطلق سرزمین ما شد. به ویژه دوران دیکتاتوری رضا خان،

دوران این سطره بلارقیب انگلیس بود و عزت و ذلت یک فرد به یک اشاره چشم آقای سفیر انگلیس (که چه عرض کنیم) حتی غلام سفارت (رشیدیان) مربوط میشد.

در جریان جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹-۱۹۴۵) دوباره سروکله امپریالیسم آمریکا پیدا شد. ضعف امپریالیسم فرتوت انگلستان در قبال حوادث جهانی موجب شد که امپریالیسم هاروناز هفتم آمریکا در صدد برآید خود به نفسه در سراسر جهان وارد عرصه عمل شود و به "میراث خوار استعمار" مبدل گردد. خانواده پهلوی، که از بسط جنبش انقلابی دوران پس از جنگ دوم جهانی در کشور ما، به شدت هراسان شده بود، جنگ در دامن منجی جدید زد. کار به آنجا رسید که سر انجام رئیس سابق سرویس جاسوسی آمریکا "سیا" (ریچارد هلمس) هم نشین و مشاور دائمی شاه در اداره کشور بود، یعنی امری نادیده در تاریخ دیپلماسی بورژوازی، که در آن همیشه پرده پوشی و عوام فریبی نقش دارد.

تعداد مستشاران نظامی و غیر نظامی و عمال آشکار و مخفی ایالات متحده در کشور ما به ده ها هزار رسید. آمریکا یک سپاه واقعی به وجود آورد، که جزئیات امور سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی ایران را تحت نظارت خود داشت. برادران انگلوساکسون سهم شیر از نفت و بازار ثروت کشور ما را به خود اختصاص دادند و برای متحدان کهنتر خود (فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، ژاپن و غیره) در سیستم "استعمار جمعی" ایران نیز سهم هائی گذاشتند.

بالا رفتن تاراج بیدریغ نفت ایران (تا ۴۰۰ میلیون تن در سال!) امکان داد که امپریالیسم آمریکا و انگلیس هم خودشان بحد بیش از کافی بچاپند و هم متحدانشان، هم در برابر پهلوی و هم قشرهای حاکمه ایرانی، که با سرعت میلیونها و میلیارد ها را به جیب می زدند. هرگز بزدانی ها مثل قارچ از زمین روئیدند. یک اقتصاد صد درصد وابسته به وجود آمد که امروز ویرانه های غم انگیزی از آن برجاست و نوسازی اقتصادی کشور ما را با مرغرنجی بدل ساخته است.

بیش از صد سال تسلط، به کمک قاجارها و پهلوی ها، وقت کمی نیست که امپریالیست ها در اختیار داشتند. امپریالیست های انگلو ساکسون (وبه ویژه آمریکائی ها) دهها و دهها هزار خانواده ایرانی را در همه سطوح، آشکار و نهان، به خدمت گرفتند. مغزها را از ایده نولوژی سودورزانه سرمایه داری و دشمنی جانورانه نسبت به کمونیسم، از توده ستیزی بی بندوبار، از شوروی ستیزی خرافی و عایمانه انباشتند. بی اعتنائی و بی تفاوتی به سیاست (آپولی تیسم) را در مغزها رخنه دادند. روحیه مناسبی برای آقاییی خود به وجود آوردند. مغز شوئی حسابی انجام گرفت. موافق "فلسفه ای" که به کمک امپریالیسم در کشور ما تائید یافت، زندگی کردن، یعنی عواید زیاد، از هر راه که باشد، بدست آوردن و بخشی از آنرا، برای گذران تجملی و عیاشانه هر چه خیال آمیز تر صرف کردن.

مهم نیست که اکثریت جامعه در شهر و روستا زندگی را چگونه به سر میبرد! میتوان صاف و ساده آنها را ندید. مهم نیست که

دولت در چه بندوبست های خائسانه خود خواهد انداخت. با میلیاردرهای "وال استریٹ" و "سیتی" است، میتوان صاف و ساده از آنها بی خبر ماند، و به جای کتابها و مطالب سیاسی و اجتماعی، کتاب های سکسی خواند یا عکسها و فیلم هائی از این قبیل تماشا و یا جدول حل کرد. مهم نیست که عواقب یک روش خود محورانه سر انجام برای سر پای جامعه چه خواهد شد. می توان صاف و ساده به نمانندید. مهم اینست که بساط عواید روز افزون (ولو آلوده) و تجمل و عیش رنکارنگ برقرار باشد: فلسفه ضد اجتماعی و ضد اخلاقی و فرد گرایی نه جنگلی عجیب رواج یافت و رواج دارد.

این "فلسفه آمریکائی" - شاهنشاهی، که شاهو شهبان و والاکهراها مظاهر ایستاده آل آن بودند، یکی از بزرگترین سدهای تحول مثبت روحی در قشرهای باصلاح غرب زده ما است، که مفاهیم خلق، انقلاب، دگرگونی، استقلال، آزادی، جامعه تولیدی، فداکاری و غیره را برای آنها به ما فهمیم غریبه و مضحک مبدل ساخته است و این وضع کمترین آدامه دارد.

این شرایط دهها و دهه ها به طول انجامید، بطوریکه برای قشری از جامعه قانون و ناموس ازلی و قاعده طبیعی هستی جامعه و فرد شد.

"بهار دوم" سرمایه داری، که پس از جنگ دوم جهانی (به برکت انقلاب علمی و فنی) پدید شد، به رواج این "فلسفه کمک کرد. برخی از آنهائی که روزی "انقلابی" می اندیشیدند، با خود میگفتند: "عجب احمقی بودیم!" و سپس رفتند به دنبال "زندگی!"

ولی انقلاب خلق سیلی جانانه ای به بنا گوش این نظام دیرپا و خود خواه و تیا زده، چنان که برق از چشمانش پرید، ابتدا حیرت بود و بی باوری، بعد خشم بود و نعره سرانجام تلاش همه جانبه و مودیان و محبیلانه و جنایتکارانه کسانی که به پشت خود را گم کرده اند، برای دوباره به جنگ آوردنش. و ما طی قریب سه سال بعد از انقلاب، هر روز شاهد صحنه تازه ای از آن هستیم: شاهد تلاش کسانی که انقلاب را از برون و درون می جویند.

"قهرمانان" میدان گوناگونند: شکنجه گر ساواکی، تیسار آمریکایی پرست، لیبیرال ریش دار و تسبیح بدست، رجال مخفی، روشنفکر غرب زده، خان فراری، حاجی آقای بازاری، "مارکسیست" سیائی، و عاظ السلاطین، مدافعان دروغین "شرع" در قبال "کفر"، تئوریسین های "قیام مسلح" علیاً ستیاد حاکم، صاحبان عواید کلان (که همیشه در "پانام" بین کالیفرنیا و تهران در رفت و آمد بودند)، عمال در سایه (که کسی آنها را نمی شناسد، ولی آنها همه را می شناسند) و غیره و غیره.

برخی ساده دلان با نازک در خیابان های تهران، و بعضی مزعلها با انترتیک در ویلا های مجلل و گوشو کنارهای خلوت، امروزه نیز باشند متغولند که این "حادثه عجیب و غیر طبیعی" را، که انقلاب ایران نام دارد، از صفحه روزگار بزدایند.

با صلاطین فرانسوی ها، همه "کله های خود را حفر میکنند"، که بهترین نسخه ها را پیدا کنند و "ایران عزیز" (بخوان کاحها و میزهای قمار میلیونی) را از شر "فالانتریزم آخوندها" نجات

گرسزد پایه دو پایه کم بود
بام را جویند نامحرم بود
مولوی

دهند. یا انقلاب را سرکوب کنند و یا آنرا حتی با حفظ چهره مذهبی، مسخ کنند. کوچکترین پشتیبانی از شعارهای درست انقلاب به عنوان "ترفند" و "اپورتونیسیم" کوبیده میشود. در واقع خطاست اگر به طیف بسیار وسیع خادمان امپریالیسم و عابدان سرمایه داری کم بهاداده شود. امپریالیسم در ایران فرصت و امکان وسیعی داشته و در نتیجه، کار سیاسی صد ساله ای در اینجا نباشده است. امپریالیسم در جامعه ایرانی رگ وریشه عمیق دارد. کل دستگاه سرمایه داری امپریالیستی جهانی و دست نشانده هایش (یعنی فیلیپین ها، اندونزی ها، برزیل ها، هلند ها، شیلی ها، و کره جنوبی ها و امثال این کشورها) با کل عمال یا افرادی که در این کشور دارند با واسطه فعال اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عراق، عمان، پاکستان و غیره مشغول کارند و شب و روز هم مشغول کارند. پول، اسلحه، شایعه، انترتیک، فریب و تبلیغات سیل است. اندیشه های ساده لوحانه یا متعصبانه، دوستان نادان انقلاب نیز تاثیر کمی در دشواریها ندارد.

ضامن معتبری که انقلاب را تاکنون نگاه داشته، پشتیبانی اکثریت مردم زحمتکش است. که امیدوارند انقلاب آنها را بحق خود برساند. نقش رهبری با درایت و قاطع امام نیز فوق العاده موثر است.

سنگر هائی در داخل جامعه فتح شده، ولی هنوز سنگر های خوش ظاهر و خطرناک بسیار باقی است. کمترین امپریالیسم پایگاه اجتماعی نیرومندی در کشور ما دارد و کم بها دادن به خطر آن، حداقل ساده اندیشی است (البته اگر خرابکاری آگاهانه نباشد). انقلاب طی سالهای آینده، در عین حفظ دستاوردهای خود، باید این سنگر های استتار شده خطرناک را، که از درون آنها مسلسل های زهر آلودی شلیک میکنند، تصرف کند، تا انقلاب فاتح شود و نظام نوین مردمی پا بگیرد. هنوز راه درازی در پیش است.

روشن است که انقلاب همیشه وظایف حاد و روزانه دارد، که ناچار است به آن سپردارد. وظایف حاد امروز را جنگ با رژیم صدام، نیل به امنیت داخلی در سرکوب بمب گذاران و تروریست ها و حل مسائل اقتصادی (اجراء اصلاحات ارضی، روبراه کردن بازرگانی خارجی و داخلی و نبرد با گرانی، تامین کار برای بیکاران و ...) تشکیل میدهد.

این مطلب را دولت آقای کئی گفته و امام خمینی نیز تائید کرده و ما هم با آن موافقیم. ولی روشن است که این بخشی است از وظایف، که کسب اولویت کرده است. ولی غفلت از هر بخش دیگری از وظایف، که باید برای ریشه کن ساختن امپریالیسم انجام گیرد، خطرناک است، زیرا زقوم جهنمی بر روی ریشه های خود دوباره خواهد روئید. همه ما میدانیم که خطر فقط ضد انقلاب آشکار نیست، مسخ ظاهر "دینی" یا به ظاهر "لیبرالی" انقلاب نیز در زرادخانه امپریالیسم جای معتبری دارد. کیمیا گران امپریالیستی در تبدیل زهر به پادزهر و پادزهر به زهر استادند. به هوش باشیم!

"احمد" ها با خون، هر قطره اشکی را به گلوله ای به سینهد شمن اعلی تبدیل کرد؟

مجاهدین فریب خوردند! صدای خونین "احمد" را بشنوید رهروان راه تبا و نباشید. بیائید و انتقام خون او را از آمریکا بگیرید. مسئولان انقلابی کشور! صدای حق گریه "احمد" ها را بشنوید. راه را باز بگذارید. تا آنها بار دیگر تفنگ خود را به سینهد آمریکا نشانند روند. بیائید دفتر خونینی را، که امپریالیسم آمریکا کشوده، با درایت و قاطعیت خود ببندیم.

کردن توطئه، اخیر آمریکا، که یکی از بازوهای آن "مجاهدین" و دیگر چپ روه هستند، ممکن است. اینجا است که باید بیدریغ جنایتکاران و جانیانی که دست به ترور و قتل می زنند، به جوخه اعدام سپرده شوند. اما "احمد" ها و "سعادت" ها چه؟ آنها که دستشان به خون کسی آغشته نیست، آنها که فریاد می زنند: "بها غوش پاک اسلام بازگشته ام"، آنها که صداقت خود را در آخرین لحظات حیات فریاد می زنند، چه؟ اعدام آنها راه بستن بر فریب خوردگان صادقی، که میخواهند به آغوش انقلاب برگردند، نیست؟ آیا نباید از خرمن اشک "احمد" ها گوهر با برترین تحدها را برای انقلاب بدست آورد؟ آیا نباید به جای آمیختن اشک

فریب خوردگان نظیر او را از آمریکا گرفت. باید انتقام این جان های شریف را، که چنان شور رزم با دشمن اصلی و جان عشق به خلق دارند، که دردم مرگ نیز، آخرین نفس هایشان را وثیقه نبرد با دشمن اصلی می کنند، از امپریالیسم خونخوار آمریکا گرفت. و این انتقام گیری، که چیزی جز ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم از خاک میهن انقلابی ما نیست، از جمله با خنثی

باید این قاتل را، که قاتل همه فریب خوردگان دیگر هم هست، به جوخه اعدام انقلاب سپرد. همانطور که احمد، در یک قدمی جوخه اعدام، از پدر و مادرش خواست: - انتقام مرا از آمریکا بگیرید! باید انتقام او، و انتقام همه فریب خوردگان نظیر او را از آمریکا گرفت. باید انتقام این جان های شریف را، که چنان شور رزم با دشمن اصلی و جان عشق به خلق دارند، که دردم مرگ نیز، آخرین نفس هایشان را وثیقه نبرد با دشمن اصلی می کنند، و این انتقام گیری، که چیزی جز ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم از خاک میهن انقلابی ما نیست، از جمله با خنثی

و دهها نفر بیای جوخه اعدام میروند و صد هانفرد در خانه های تیمی تدارک این سفر ضد انقلابی را می بینید. این سن تبا ترین، خطرناکترین و خونین ترین توطئه هائی است که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، با دست خائینی چون بنی صدر و رجوی و با استفاده از جوانی و کم تجربگی جوانان "مجاهد" بر زمین بغرنجی اوضاع ایران و بر خوردن های نادرست بخشی از حاکمیت، بر جامعه ما تحمیل کرده است. باید هر چه زود تر این دام را گسست. باید هر چه فوری تر این توطئه را خنثی کرد. همانطور که احمد در پای جوخه اعدام فریاد زد: - قاتل من آمریکا است! مقاتل من روحی خائن است!

قاتل من

بقیاض صفحه ۲

احمد جانفشان وظیفه به شوق مبارزه بسود زحمتکش و در اشتیاق نبرد با آمریکا به "مجاهدین" پیوست و سرانجام به جوخه اعدام انقلاب سپرده شد.

نسرین محبی، فرزند سرگرد علی محبی، از شهدای بزرگ و اولیسه "مجاهدین" برای ادامراه پدرش، یعنی مبارزه با آمریکا، به سازمان پیوست و وقتی چشم باز کرد خود را آلت فعل آمریکا دید.

نظیر "احمد" ها و "نسرین" ها گروه کثیری در زندانها هستند، دهها

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها...

(اعلامی که سبب مرکزی حزب توده ایران به مناسبت چهل سالگی حزب توده ایران)

چهل سال مبارزه فداکارانه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

در مهرماه ۱۳۶۰، چهل سال از تاسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، کهن‌ترین سازمان سیاسی-اجتماعی کشور ما می‌گذرد.

داوطلبانه و برادرانه و برابر حقوق آنها در میهن واحد و مستقل ما ایران، با اصلیت و بیگیری مبارزه کرده‌می-کند.

خمینی پیروز شد، حزب توده ایران، سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب، راه پشتیبانی از خط ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی را برگزید و در جنبش انقلابی عظیم مردم ایران با فعالیت و شور شرکت جست و قربانی داد.

کاربرده و خواهد برد، تا این سیاست اصولی و انقلابی، که در راستای منافع حیاتی توده‌های مردم زحمتکش ما است، پیروز شود.

می‌کنیم که با شور و امید و استواری و نیروی هر چه بیشتر، به مبارزه خود برای به پیروزی قطعی و نهایی رساندن انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران ادامه دهیم.

۱) حزب توده ایران امپریالیسم، فاشیسم، نژادگرایی، ملی‌گرائی ارتجاعی، استعمار و نو-استعمار و نمایندگان آنها را، با تمام چهره کریه‌شان، به مردم ایران معرفی کرده و مردم را به نبرد علیه آنان و برای مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران، صلح و دوستی خلق‌ها و پشتیبانی از جنبش‌های انقلابی و رهایی بخش ملی بسیج کرده و می‌کند.

۵) حزب توده ایران در راه اعتلاء فرهنگ کشور و به ویژه فرهنگ سیاسی جامعه، در راه توضیح تاریخ و ادب و فلسفه کشور ما در راستای بسیج مردم، گام‌های موثری برداشته و از این لحاظ در پیدایش یک نسل نوین در جامعه ما تاثیر بزرگی داشته‌است.

حزب توده ایران در جنگ عادلانه مردم ایران علیه تجاوز آمریکایی - صدامی با صداقت و فداکاری تمام شرکت کرد موخون اعضا آن با خون مسلمانان انقلابی پیرو خط امام در اینجانب آمیخته‌است.

حزب توده ایران، مفتخر به تاریخ سراسر پیکار حزب خود در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، بار دیگر در برابر خلق قهرمان ایران تجدید پیمان

فرخنده باد چهلمین سال حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران! پیروز باد انقلاب بزرگ ضد-استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران!

جوانان کمونیست ایتالیا و جوانان انقلابی عراق جنگ آمریکایی-صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنند

۲) حزب توده ایران ارتجاع فئودالی و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی پهلوی و تبه‌کار بی‌های ساواک را با دلاوری بی‌همتایی بر ملا ساخت، ساتردروغین عوام فریبی را از روی آنها برکشید و مردم را برای مبارزه بر ضد آنان بسیج کرد.

۶) حزب توده ایران برای تشکل صنفی و سیاسی کارگران و همه زحمتکشان شهر و روستا، تلاش‌های جانبازانه‌ای بکار برده‌است.

حزب توده ایران خواستار اتحاد همه مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و همه پیروان صدیق سوسیالیسم علمی و سایر مبارزان راستین را با استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما است و با صداقت و بیگیری برای تحقق این اتحاد تاریخی مبارزه کرده و می‌کند.

اخیرا هیئت نمایندگان فداسیون جوانان دمکرات عراق - سازمان جوانان انقلابی عراق، که در مبارزه علیه رژیم صدام نقش فعالی به عهده دارد - به دعوت سازمان جوانان کمونیست ایتالیا، از این کشور دیدار کرد.

"همبستگی کامل خود را با مبارزه مردم جوانان عراق علیه ترور و تضيقات خونینی که بر نیروهای مترقی و جوانان عراق اعمال می‌شود، اعلام داشت و حمایت خود را از مبارزه مردم و جوانان عراق برای استقرار یک حکومت دمکراتیک و کسب خودمختاری واقعی برای مردم کردستان عراق" اعلام کرد.

۳) حزب توده ایران در راه بیداری زحمتکشان شهر و روستا و دفاع از حقوق صنفی و سیاسی آنان، در راه دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی زنان و جوانان ما، سخنان حق را آشکارا گفته و می‌گوید و برای تحقق این حقوق بی‌امان مبارزه کرده و میکند.

در راه انجام این وظایف خطیر و مقدس، عده کثیری از مبارزان حزب توده ایران تیرباران شدند، یا در زیر شکنجه‌های ساواک نابود گردیدند، یا سالیان دراز در زندان‌های شام‌ملعون به سر بردند، یا به جلا، وطن مجبور گردیدند و یا از کار رانده شدند.

در چهل سالگی حزب توده ایران بار دیگر تأکیدی کنیم که پشتیبانی حزب ما از خط ضد-استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، دفاع حزب ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مبارزه حزب ما برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، تلاش حزب ما برای اتحاد همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، یک تاکتیک کوتاه مدت نیست این یک سیاست صادقانه دراز مدت برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهن عزیز ما ایران است.

هیئت نمایندگان جوانان انقلابی عراق در این دیدار با هیئت دبیران سازمان جوانان کمونیست ایتالیا و مسئولین سازمان در شهرهای فلورانس و ونیز ملاقات و گفتگو کرد.

طرفین در این اعلامیه جنگ آمریکایی-صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران را، به مثابه "جنگی که صلح جهانی را مورد تهدید قرار داده و در خدمت طرح‌ها و استراتژی رهبری جدید ایالات متحده آمریکا برای تنش-فزایی و بازگشت به دوران جنگ سرد" است، محکوم کردند.

۴) حزب توده ایران در راه دفاع از حقوق سیاسی و ملی خلق - های گوناگون سرزمین ما و اتحاد

در جریان انقلاب بزرگ ضد-استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران، که به رهبری مدبرانه امام

در پایان این دیدار اعلامیه مشترکی صادر شد. در این اعلامیه، سازمان جوانان کمونیست ایتالیا،

نمایندگان جوانان کمونیست ایتالیا و جوانان انقلابی عراق خواستار خروج نیروهای عراقی از سرزمین ایران و حل مسالمت آمیز مسایل مورد اختلاف در جهت منافع خلق‌های ایران و عراق شدند.

آستان به

بقیما صفحه ۱

فشار روز افزون امپریالیسم آمریکا و چین مائونیست آغاز شده و به پیش می‌رود. مسائل مطرح شده در کنفرانس سالیانه وزرای خارجه عضو آستان در سال جاری - که در نیمه ماه ژوئن در مانیل برگزار شد - گواه زندامی برای مدعاست.

سیاستمداران جدی آستان این موضوع را بسادگی درمی‌یابند. آنها از یک سو شاهد تهاجمات پیاپی سیاسی و نظامی چین نسبت به ویتنام و از سوی دیگر گواه ارائه پیشنهاد های سازنده صلح و دوستی از جانب کامپوچیا و لاوس هستند.

افزایش جنگ افزارهای آمریکایی تحویل شده به کشورهای آستان برآستی شگفت انگیز است. نشریه "رکود آسیا"، که در کالیفرنیا انتشار می‌یابد، فاش ساخت که تنها کمک نظامی آمریکا در سال ۱۹۸۰ به ۱۴۷ میلیون دلار، یا تقریباً به یک و نیم برابر بیشتر از سال گذشته، رسید. بطور کلی، حجم جنگ افزارهای "رایگان" تحویلی به منطقه "آستان" در پنج سال گذشته به ۸۱۹ میلیون دلار رسیده‌است، که تقریباً سه برابر رقم نیمه دهه پیش‌است.

نشان می‌دهد و انتظار می‌رود که برنامه کمک نظامی اش به آن کشور، در سال مالی آینده، از ۸۰ میلیون دلار تجاوز کند. "رکود آسیا" می - نویسد که در مقابل، ایالات متحده آمریکا خواستار بازگشت به پایگاه‌های نظامی پیشین خود در خاک تایلند است.

امپریالیسم آمریکا قصد دارد کمک نظامی خود را به اندونزی تا ۵۰ درصد افزایش دهد. مالزی نیز اعتباری برای خرید تجهیزات هواپیما دریافت کرده‌است و جنگنده‌های بمب-افکن اسکای هوک خریداری می‌کند. پنتاگون در برابر آن انتظار دارد حق بهره‌برداری از پایگاه هوایی گونگ کاداک را، که هم اکنون در

ایالت کلانتان در کار ساختمان است، بدست آورد. سنگاپور آشکارا نقش مجتمع نظامی - صنعتی غرب، یک "نوع زرادخانه" اتحادیه آستان را بر عهده دارد. شرکت آمریکایی هواپیما سازی لاکهید، در حال ساختن یک کارخانه تعمیر و نصب هواپیماست. شرکت اتومبیل‌های ایتالیایی، کارخانه‌های برای تولید قطعات یدکی تفنگ، موشک و وسایل موتور ساخت است. شرکت بوفورس سوئدی، موشک‌های ضد هواپیما بی آر. بی اس-۷۰ (R.B.S-70) را که به کشور-های آسیایی صادر می‌گردد، در سنگاپور تولید می‌کند. وسپر، یکی از بزرگترین بنگاه‌های کشتی سازی بریتانیا، قصد دارد از حوزه‌های بزرگ کشتی سازی سنگاپور جهت ساختن رزم ناو برای کشورهای آستان بهره‌برداری کند. و شرکت داکال الکترونیک بریتانیایی، امکان ساختن یک کارخانه جهت تولید وسایل الکترونیکی و رادار با اهداف نظامی را بر-رسی می‌کند. بنا بر این سنگاپور یک عنصر مهم برنامه استاندارد کردن جنگ افزارهای ساخت غرب در کشورهای آستان می‌شود.

شرکت وسیع نوده‌ها در سومین دور انتخابات ریاست جمهوری:

مردم ایران برای ادامه نبرد با آمریکا، مانند همیشه، آماده‌اند

گذشته‌ارمنی‌های زیادی در مبارزه با شاه‌خائن شهید شدند و همچنین در دوران انقلاب و در جنگ علیه‌صدام هم جوانان بسیاری از مایه‌شهادت رسیدند در میان ارمنه‌ها هم سرمایه‌داران زیادی وجود داشتند که در رژیم گذشته باشاه همکاری می‌کردند و مستضعفان ارمنی را تحت فشار قرار می‌دادند. منظورم این است که در میان افراد هر مذهبی، هم سرمایه‌دار وجود دارد و هم مستضعف، به این دلیل است که سرمایه‌داران دشمن خود می‌دانیم و مستضعف را دوست خود. حال این سرمایه‌داران را این مستضعفان ارمنی باشد یا مسلمان، برای ما هیچ تفاوتی ندارد، همان‌طور که برادران مسلمان ما از بدو انقلاب تاکنون همیشه در کنار ما بودند و هستند.

رحیم رحیمی پیرمرد فلجی است که بر روی صندلی چرخ‌دار به‌بای صندوق رای آمده بود، گفت:

"من الان دو ماه است از منزل خارج نشده‌ام، اما امروز برای اینکه به ضد انقلابیون نشان بدهم اقدام‌های آن‌ها برای ایجاد وحشت میان مردم و جلوگیری از شرکت آنها در انتخابات کوچکترین نتیجه‌ای نداشته، سه اینجا آمده‌ام تا رای بدهم. من به حجت‌الاسلام خامنه‌ای رای می‌دهم، چون او نه تنها طی مبارزات‌های پیش از انقلاب خود را به خوبی شناساند، بلکه در مدتی که امام جمعه تهران بود، به خوبی چهره انقلابی اسلامی و مردمی خودش را نشان داد. آقای خامنه‌ای خودش را وقف انقلاب و مستضعفان کرده و با وجودی که هنوز از زخم ترورنا جوانمردانه در رنج است، مسئولیت بزرگ دیگری را قبول کرده است. البته از ایشان جز این هم انتظار نمی‌رفت و این خود مشت دیگری بر دهان دشمنان انقلاب و میهن‌ماست."

اتحاد مردم

شرکت یک پارچه نوده‌های میلیونی در انتخابات آنچه در سخنانشان بازتاب داشت، بار دیگر نشان داد که خلق ما آماده‌یثار و فداکاری است. اکنون بر ریاست جمهوری جدید و دیگر مقامات مسئول کشور است که با اجرای اصلاحات اجتماعی، تأمین و تحقق جنبه‌متحد خلق، راه را برای ریشه‌کن کردن پایگاه‌های داخلی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، هموار کنند.

در جنوب شرقی آسیا هماهنگ می‌سازند. رادیو به اصطلاح "کامیوجیای دمکراتیک سخن-گوی رژیم خونخوار سرنگون شده دار و دسته پول‌پوت-ینگ‌ساری، از چین پخش می‌شود. این ایستگاه اختصاص به پخش گزارش‌های دروغ درباره کامیابی‌های ادعایی ضد انقلابیون در این‌بازن بخش کشور، درباره تجاوزات مرزی به تایلند توسط یکسان‌های ویتنامی، و حتی درباره برپایی پایگاه‌های نظامی اتحاد شوروی در منطقه هندوچین دارد.

در پیام‌های کارزار گسترده تبلیغاتی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و مؤنوسیت‌های پکن، دورنمای نظامی-گری آستان نمایان می‌شود. اگر هزینه‌های نظامی بسیار سنگین کشورهای عضو اتحادیه آستان در سال گذشته نزدیک به ۵/۵ میلیارد دلار بود، در سال جاری به ۶ میلیارد دلار افزایش می‌یابد.

امپریالیسم آمریکا و چین با تبلیغات ضد ویتنامی و ضد شوروی خود می‌خواهند، علاوه بر نظامی کردن آستان، بر سیاست تجاوز کارانه، توسعه طلبانه و تنش‌فزایانه، خویش سرپوش‌نهند تا در ادامه این روند تجاوزات مرگبار امپریالیسم آمریکا به هندوچین و تحریکات و تجاوزات چین علیه ویتنام به فراموشی سپرده شود. بدینسان امپریالیسم آمریکا و چین زمینه برپایی یک بلوک نظامی در چارچوب اتحادیه آستان را فراهم می‌سازند.

شرکت‌کنندگان در انتخابات:
امیدواریم رئیس جمهور جدید همه کوشش خود را صرف بهبود زندگی مستضعفان کند.



در این انقلاب
ارمنی و مسلمان یک هدف دارند

وارطان ساراخانیان، سی و دو ساله نقشه‌کش ساختمان، به خبرنگار ما گفت:

"چیزی که در حال حاضر برای ارمنی‌های معتقد به انقلاب مطرح است پیشبرد این انقلاب است. برای ما هرگز ارمنی و مسلمان مطرح نبوده و نیست و همان‌طور که ما بارها فرموده‌اند، اقلیت‌های مذهبی می‌توانند در کنار برادران مسلمان خود زندگی کنند. در رژیم

بسیست و چهل بیش از دیگر گروه‌های سنی در این انتخابات چشمگیر بود. حفاظت از حوزه‌ها به مراتب شدیدتر از انتخابات روز دوم مرداد ماه ۶۰ بود. ما موران کمیته‌ها به اتفاق جوانان انقلابی هر محله، حفظ نظم را بر عهده داشتند و بسیاری از آن‌ها در تمام طول شب پیش از انتخابات هم به حفاظت از حوزه ماوریت خود و آماده کردن وسایل لازم مشغول بودند.

زهره پورسالکی پیرزن شصت ساله ای است که برای دادن رای به یکی از مراکز رای‌گیری خیابان دکنتر شریعتی آمده بود، به خبرنگار ما گفت:

"روز دوم مرداد، حدود ساعت یازده بود که من برای رای دادن از خانه بیرون آمدم، اما امروز به قدری عجله داشتم که صبح‌زود به اینجا بیایم تا رای خودم را به صندوق بیندازم. علت این زود آمدن این است که می‌خواهم به ضد انقلاب نشان بدهم که گشتن و نابود کردن باران امام و یاران مردم مستضعف فقط ترس در ما ایجاد نمی‌کند، بلکه ما را در پشتیبانی از امام و انقلاب محکم‌تر می‌کند. اگر هزار بار هم رئیس‌جمهور نخست وزیر را بکشند، ما باز هم به کوری چشم دشمنان انقلاب، در انتخابات شرکت می‌کنیم."

مهدی صالحی، بیست و هشت ساله، کارگر کارگاه جرم‌سازی، در مورد علت شرکتش در انتخابات می‌گفت:

"علت اینکه آمریکا رئیس‌جمهور نخست‌وزیر ما را کشت، این بود که آن‌ها می‌خواستند به نفع ما مستضعفان کار کنند. آمریکا می‌دانست که در صورت اجرای برنامه‌های دولت شهید باهنر، همه مستضعفان در ایران نابود می‌شوند. این بود که رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر را شهید کرد، اما آمریکا هنوز ما را شناخته و نمی‌داند تا مستضعف وجود دارد، انقلاب هم سرچایش است. من یقین دارم دولت فعلی و رئیس‌جمهور آینده هم تمام کوشش خود را صرف اجرای برنامه به نفع مستضعفان خواهند کرد، چون این برنامه‌ها خواست اصلی همه مستضعفان است."

فریده رضایی، خانه‌دار، که برای رای دادن به یکی از حوزه‌های خیابان رسالت آمده بود، گفت:

"با برکنار شدن بنی‌صدر، دیگر مانعی بر سر راه اجرای سریع برنامه‌های گوناگون به نفع مردم وجود ندارد. البته جنگ تا حد زیادی باعث مشکلات عمده شده است، اما دولت باید کاری بکند که بار جنگ بر دوش طبقه مستضعف

سومین دور انتخابات ریاست جمهوری، جمعه گذشته برگزار شد. در این روز میلیونها تن ایرانی سه پای صندوق‌های رای رفتند و با انتخاب نامزد مورد نظر خود، مشت محکمی بر پیروزه امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن کوبیدند و بدین ترتیب برای هزارمین بار عزم خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی و مبارزه علیه آمریکا جنایتکار اعلام کردند.

شرکت میلیونها کارگر و کشاورز، آموزگار و دانش‌آموز، در کنار نیروهای مذهبی و سیاسی، از نیروهای مسلمان پیرو خط امام خمینی و هواداران راستین سوسیالیسم علمی همچون اعضای و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در این انتخابات، در واقع تجلی اراده متحد خلق در ادامه مبارزه علیه آمریکا جنایتکار بود.

گزارشگران "اتحاد مردم" از این نمایش و وحدت عظیم ضد امپریالیستی گزارشی تهیه کرده‌اند که فشرده آن از نظر خوانندگان می‌گذرد.

شرکت چشمگیر زنان

گزارشگران "اتحاد مردم" در گزارش خود می‌نویسند که در اغلب حوزه‌های رای‌گیری، مردم از ساعت‌ها پیش از شروع رای‌گیری، در صف‌هایی طولانی اجتماع کرده بودند. این گزارش حاکی است که به ویژه شرکت زنان در این انتخابات کاملاً چشمگیر بود. نکته جالب اینکه، در تمام صف‌هایی که برای رای دادن تشکیل می‌شد، از همان آغاز بحث‌های گوناگون درباره حوادث روز، جنگ و آینده انقلاب در می‌گرفت. جنبه مشترک همه این بحث‌ها، جنگی مبارزه با دشمنان خارجی و داخلی انقلاب، لزوم سازندگی سریع کشور و اجرای برنامه‌های بنیادین به سود مستضعفان بود.

شرکت اقلیت‌های مذهبی هم در سومین انتخابات ریاست جمهوری جلوه ای چشمگیر داشت. در مناطق ارمنی - نشین تهران، مثل نارمک، مجیدیه و ده متری ارمنه، مردان و زنان ارمنی، در کنار هم وطنان مسلمان خود و دیگر اقلیت‌های مذهبی در مکان‌های رای‌گیری دیده می‌شدند.

هر چند نوجوانان تازه سال در کنار مردان سال‌خورده در انتخابات روز جمعه شرکت داشتند، اما وجود گروه‌سنی میان

آسیای جنوب شرقی یک بازار بزرگ کالا-های آمریکایی است. همان‌گونه که میتوان انتظار داشت، شرکت‌های آمریکایی بیشترین سود را از بابت فروش ساز و برگ نظامی به جیب می‌زنند. بدینسان، بطور عمده، رخنه‌مجمع‌های نظامی صنعتی آمریکایی، روند نظامی کردن کشورهای آستان را تسریع میکند.



به کارزار پوچ تبلیغاتی ایفای نماید. "صدای آزاد آسیا" هر روز چندین ساعت، با دروغ-پراکنی‌های زهرآگین خود درباره اتحاد شوروی، ویتنام و حکومت قانونی کامیوجیایه فعالیت خود ادامه می‌دهد. اخیراً بگونه‌ای فزاینده شکار شده است که واشنگتن و پکن تلاش‌های تبلیغاتی خود را

آسیای جنوب شرقی یک بازار بزرگ کالا-های آمریکایی است. همان‌گونه که میتوان انتظار داشت، شرکت‌های آمریکایی بیشترین سود را از بابت فروش ساز و برگ نظامی به جیب می‌زنند. بدینسان، بطور عمده، رخنه‌مجمع‌های نظامی صنعتی آمریکایی، روند نظامی کردن کشورهای آستان را تسریع میکند.

ماشین عظیم تبلیغاتی امپریالیسم در خدمت "نظامی کردن آستان"

"به راه آوردن آستان و ناگزیر ساختن آن به پذیرش سیاست نظامیگری آسان نبود. امپریالیسم آمریکا علاوه بر بهره‌وری از اهرم‌های اقتصادی و اهرم‌های پنتاگون، همه قدرت ماشین تبلیغاتی خود را نیز بکار گرفت. دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم در فعالیت ویران-گر خود، فضای هراس در برابر "گسترش طلبی کمونیستی" و "تهدید افسانه‌آمیز" ویتنام و "تجاوزگری شوروی" را می‌آفریند.

صدای گوش‌خراش بلندگوهای دروغ-پرداز و زهرپراکن آمریکایی فضای جنوب شرقی آسیا را آتشیان کرده است. در فیلیپین افزون بر ۱۴ ایستگاه تلویزیونی، که کلیه برنامه‌هایشان از منابع آمریکایی تأمین می‌شود، یک فرستنده آمریکایی هم سرگرم کار است. شبکه تبلیغاتی بغایت پرتوان امپریالیسم

"آستان به..."

بقیه از صفحه ۷

این منطقه را، بر عهده گرفته است. منطقه آستان آشکارا یک "منطقه امنیتی مهم" امپریالیسم آمریکا اعلام شده است. این مطلب را جیمز باکلی معاون وزیر امور خارجه آمریکا، در جریان دیدار خود از آسیای جنوب شرقی، در ماه اوت، اعلام داشت. در آن هنگام او گفت که واشنگتن از "اقدامات رسمی و غیررسمی" برای تشکیل یک اتحاد نظامی در چارچوب اتحادیه آستان پشتیبانی میکند. استراتژی‌های آمریکایی به سیاست نظامی کردن آستان، بعنوان یک عامل عمده در تحکیم وضع اقتصادی ایالات متحده آمریکا در این منطقه می‌نگرند، زیرا این منطقه بالغ بر ۸۰ درصد محصول کائوچوی طبیعی و کفک، ۷۵ درصد محصول گرانتهای استوایی و ۷۰ درصد قلع جهان را عرضه میکند. افزون بر آن، اندونزی یکی از ده کشور بزرگ تولیدکننده نفت در جهان سرمایه‌داری است. در جهان سرمایه‌داری تقاضای رشد پاینده‌ای برای همه این مواد خام وجود دارد. از این رو شگفت‌انگیز نیست، که سرمایه‌گذاری خصوصی مستقیم امپریالیسم آمریکا در کشورهای آستان در ده سال گذشته از ۵/۵ میلیارد دلار به بیش از ۵۵ میلیارد دلار افزایش یافته است.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی
در مجمع عمومی سازمان ملل متحد:

سرنگونی رژیم خون آشام شاه
توسط مردم ایران
عادلانه ترین اقدام بوده است

دولت کارتر و ریگان به جنگ اعلان نشده علیه ایران
پرداخته اند، تا انقلاب ایران را خفه کنند

آندره گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی طی سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اقیانوس غربی جنگ جویانه و اقدامات توطئه گرانه امپریالیسم آمریکا گفت.

امپریالیسم آمریکا، که خود منبع تروریسم بین المللی است، در دوران اخیر آنچنان به تبلیغات ریاکارانه علیه جنبش‌های رهاشی بخش خلق‌ها، که از نظر آمریکا اقدامات تروریستی نامیده می‌شوند، پرداخته، که زمینه را برای جنگ‌های صلیبی علیه آنان آماده می‌کند.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی با تاکید بر اقدامات توطئه گرانه آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت:

"سرنگونی رژیم خون آشام شاه توسط مردم ایران عادلانه ترین اقدام بوده است. با این وجود ابتدا دولت کارتر و سپس دولت ریگان به جنگ اعلام نشده علیه ایران پرداخته اند تا انقلاب ایران را خفه کنند و در عین حال نظام حاکم بر ایران را به تروریسم متهم میکنند. وزارت جنگ آمریکا سومین سال است که گروه بزرگی از ناوگان جنگی خود را در حوزه خلیج فارس مستقر ساخته و ایران را آماج تجاوز نظامی خود قرار داده است. در بهار سال گذشته دولت آمریکا از همین ناوگان جنگی برای پیاده کردن نیروی نظامی در طیس استفاده نمود و تلاش نمود طرح توطئه براندازی خود در ایران را با اجرا در آورد. با اینکه این توطئه به شکست فضاخت باری انجامید، اما سیر حوادث بعدی نشان میدهد که دولت آمریکا از نقشه‌های خود صرف نظر نکرده است و تدارکات جنگی خود را به مقیاس وسیعتری ادامه میدهد. نمره آن اعزام واحدهای سپاه و اکتش سریع بدان منطقه و دیگر اقدامات نظامی و

دو خبر جالب درباره "مجاهدین" افغانی

است آن افغانستانی که می‌بایست محمد ظاهر شاه در رأس آن قرار گیرد، چگونه افغانستانی خواهد بود و آن "مجاهدینی" که با اسلحه سادات

اعتماد کامل خود را نسبت به محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان، که هم اکنون بحالت تبعید در شهر رم بسر میبرد، ابراز داشتند. شرکت - کنندگان در این گرد همائی محمد

اخیرا دو خبر جالب درباره "مبارزان" افغانی پخش شد، که سببه دیرواران نیز میتوانند این واقعیت را آشکار کند، که "مجاهدین" افغانی نه انقلابی‌اند و نه برای اسلام می - جنگند.

خبر نخست اعتراف سادات بود، که از شبکه تلویزیونی ان-بی-سی آمریکا نیز پخش شد و هیچ مقام رسمی آمریکائی نیز آنرا تکذیب نکرد چونکه قابل تکذیب نبود. سادات اعتراف کرد که آمریکا اسلحه‌های را که شوروی در زمان ناصر به مصر داده بود، در برابر پول از سادات گرفته و به "مجاهدین" افغانی داده است. این معامله به مدت ۲۱ ماه است که ادامه دارد. تقریباً همان با پخش این خبر، مقامات رسمی آمریکائی نیز اعلام کردند که آمریکا مبلغ یک صد میلیون دلار به همین "مجاهدین" افغانی کمک کرده‌اند و نیز آنها را در پایگاه‌های نظامی مصر آموزش نظامی میدهند.

خبر دوم خبری بود که از "بی بی سی" نیز به شرح زیر پخش شد: "اتحاد ملی اسلامی افغانستان که یک سال زمان چریکی است و مرکزش در شهر کویت واقع در بلوچستان پاکستان است، میگوید که... اجتماعاتی از خواستار از یاد شاه سابق افغانستان خواستند که ریاست مقاومت آزادی افغانستان را بعهده گیرد. یک سخن - گوی گرد همائی بزرگ قبایل افغان گفته‌است که نمایندگان مجاهدین افغان و یا رزمندگان آزادی در افغانستان از سوی قبایل، و زراء سابق و نمایندگان سابق و رهبران افغان و یا رزمندگان آزادی در افغانستان از سوی قبایل، و زراء سابق و نمایندگان سابق و رهبران سیاسی افغانستان به مدت چهار روز در منطقه مرزی "پیشین" در پاکستان گرد هم آمدند. اعضاء شرکت کننده در این جلسه ضمن بحث پیرامون بحران افغانستان هر یک اطمینان و



ظاهر شاه را بعنوان رهبر جنبش برای آزادی افغانستان انتخاب کرده‌اند و ژنرال عبدالوالی خان را به عنوان معاون وی انتخاب نمودند.

این هر دو خبری نیاز از هرگونه تفسیراند، زیرا به خودی خود معلوم

و پول و آموزش نظامی آمریکائی، برای آنچنان افغانستانی "مجاهد" می - کنند کدام "آزادی" و کدام "اسلام" را میخواهند. مطلب از این قرار است و از روز نخست نیز از این قرار بود.

قدردانی احزاب کمونیستی و کارگری بخش خاوری دریای مدیترانه، منطقه خاور نزدیک
و میانه از: سهم موثر و مثبت انقلاب ایران در مبارزه ملت‌های این منطقه علیه امپریالیسم

مردمی را در انبوس و جمهوری دمکراتیک خلق یمن سرکوب کند. واشنگتن منطقه خاور نزدیک، اقیانوس هند و خلیج فارس را حریم منافع حیاتی آمریکا اعلام کرده و تهدید میکند که اسلحه، منجمله سلاح‌هاست. ای در آنجا بکار خواهد برد، و بمنظور دخالت در امور داخلی کشورهای دارای حق حاکمیت، نیروهای واکنش سریع خود را در این مناطق مستقر میسازد. امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و ارتجاع کشورهای عرب میان عراق و ایران آتش جنگ را دامن میزنند.

در اعلامیه مذکور اظهار اطمینان شده‌است که این نقشه‌های خطرناک در پرتو مبارزه ملت‌ها و جبهه پایداری و مقاومت نیروهای ترقیخواه دیگر با شکست مواجه خواهد شد. شرکت کنندگان در کنفرانس "احزاب کمونیست بخش خاوری... خواستار حل عادلانه مسئله خاور نزدیک شده‌اند. علام داشتند که پیشنهاد اتحاد شوروی درباره برگزاری یک کنفرانس بین المللی درباره خاور نزدیک اساس مثبت حل این مسئله را تشکیل میدهد. در اعلامیه شرکت کنندگان کنفرانس مذکور خاطر نشان شده‌است که جنگ عراق و ایران فقط به نفع استراتژی‌های آمریکا است و توجه ملت‌ها را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی منحرف میسازد. نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری بر له رفع اختلاف از طریق

راد یوسکو ۷ مهر ماه اعلام احزاب کمونیست و کارگری کشورهای بخش خاوری دریای مدیترانه، منطقه خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ، که در ماه سپتامبر سال جاری، در گردهم آئی نمایندگان این کشورها مورد تصویب قرار گرفت، در آن منتشر شده‌است.

در این سند ضمن ابراز نگرانی از اینکه مناسبات بین المللی در نتیجه اجرای خط مشی استراتژیک تجاوز - کارانه امپریالیسم و به خصوص امپریالیسم آمریکا به وخامت گرایده به خطرناک بودن نقش رهبران چینی اشاره شده‌است، که زیر پرچم شوروی ستیزی از سیاست تجاوز کارانه پنتاگون و پیمان ناتو پشتیبانی می‌کنند. شرکت کنندگان کنفرانس مذکور خاطر نشان ساختند که قدرت افزایش یافته کشورهای سوسیالیستی و اعتدای نهضت کارگری و جنبش رهاشی بخش ملت‌ها شرایط لازم را برای مهار کردن سیاست تجاوز - کارانه امپریالیسم تأمین می‌کند. شرکت کنندگان کنفرانس تاکید کردند که اوضاع منطقه خاور نزدیک و خلیج فارس و حوزه دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند، وخیم و متشنج است و امپریالیسم و متحدانش وضع انفجار آمیزی در آنجا ایجاد میکنند، که خطر بروز جنگ را در بر دارد و تمام پیامدهای این جنگ را مشکل بتوان پیش بینی کرد. آمریکا اوضاع دریای سرخ و افریقا را متشنج ساخته تلاش میکند که انقلاب‌های

مسالمت بر پایه اصول احترام متقابل به استقلال ملی و حق حاکمیت اظهار نظر کرده، با اعلام همبستگی خود با مردم و دولت انقلابی افغانستان که به مبارزه علیه دولت امپریالیستی مشغولند، تلاش‌های آنها را برای پایان دادن به تجاوز دست‌هایی از اوباشان مسلح به خاک این کشور مورد پشتیبانی قرار دادند.

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری دخالت امپریالیسم بین المللی، بسرکردگی آمریکا، برتری طلبان چین و محافل نظامی گر پاکستان و ارتجاع کشورهای عرب در امور داخلی افغانستان را محکوم ساختند. نمایندگان این احزاب از سهم مثبت و موثر انقلاب ایران در مبارزه ملت‌های این منطقه علیه امپریالیسم قدردانی کردند.

نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری اعلام داشتند که برای رفع خطر بروز جنگ و ختمی ساختن تلاش‌های امپریالیسم که می‌تواند سیاست رویا - رویه را در پیش گیرد و به بکار بردن زور در مناسبات بین المللی متوسل شوند، لازم است اقدامات قطعی تری انجام گیرد.

شرکت کنندگان کنفرانس این احزاب بدین مناسبت پیشنهادهایی را که لئونید برزنف رهبر شوروی درباره تأمین صلح جهانی و مهار کردن مسابقه تسلیحاتی در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح ساخت، با رضایت و خرسندی ارزیابی کردند.

رئیس جمهور سوریه آمریکا را دشمن و اتحاد شوروی را دوست می‌داند

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه‌ای با نشریه "لوکوتیدین" دوفاری، چاپ فرانسه، به پرسش‌های مودیانه این نشریه امپریالیستی پاسخ داده‌است. خبرنگار این نشریه، که طبق روش بلندگوهای امپریالیستی، هرگونه رابطه دوستی و همکاری برابر حقوق میان دولت‌ها و کشورهای مترقی و انقلابی با اتحاد شوروی را "وابستگی و دنباله‌روی" می‌نامد، و هرگونه مبارزه مردم استقلال طلب و آزادی - خواه علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را مسکوت می‌گذارد، پس از آن اتحاد شوروی را برای حل مسئله فلسطین را مورد تأیید قرار داد و گفت:

"ما از پیشنهاد‌های اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر تشکیل یک کنفرانس بین المللی، با شرکت تمام طرف‌های درگیر، جهت مذاکره در باب خاتمه بخشیدن به جنگ منطقه خاور میانه پشتیبانی می‌کنیم. سپس محور نشریه این سؤال شانتاژگونه را مطرح ساخت:

"شما ایالات متحده آمریکا را محکوم می‌نمائید و از پیشنهادات اتحاد جماهیر شوروی درباره مسئله"

خاور میانه پشتیبانی می‌کنید. آیا این امر نشانگر دنباله‌روی شما از خط مشی سیاسی مسکو نیست؟"

حافظ اسد پاسخ داد:

"این نیز استدلالی مبتدل و عامیانه‌است که هدف آن مشخصاً سوریه می‌باشد. ایالات متحده آمریکا به ضدیت و مخالفت خود با اعراب ادامه میدهد و با شیوه‌ای که حاکی از جانبداری کامل او از دولت اسرائیل است، از این دولت حمایت کرده و پیچیده‌ترین سلاح‌هایی را که هر روز علیه ساکنین جنوب لبنان (به عنوان مثال) بکار گرفته میشوند، در اختیار او میگذارد. ایالات متحده آمریکا هرگز تهاجمات و جنایات اسرائیل را افشاء نکرده‌است. ما از این مواضع ایالات متحده نتایج را استخراج کرده‌ایم و از طرف دیگر پیوندهای دوستی خود را با اتحاد جماهیر شوروی، که در قبال منافع ما موضع دوستانه اتخاذ نموده‌است مستحکمتر ساخته‌ایم."

و این صحیح‌ترین و اصولی‌ترین پاسخی است که می‌توان و باید به امپریالیست‌ها داد.

پیشرفت های چشمگیر اقتصادی - اجتماعی در جمهوری دموکراتیک خلق کوه

چندی پیش، هیئت نمایندگی ایران بدریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، از سفر کوتاه خود به کوه دمکراتیک بازگشت.

انرژی برق، ۱۲۰ میلیون تن ذغال سنگ، ۱۵ میلیون تن فولاد، ۱/۵ میلیون تن فلزات رنگین، ۲۰ میلیون تن سیمان، ۷ میلیون تن کودکانی، ۱/۵ میلیارد متر پارچه، ۵ میلیون تن فرآورده های دریایی و ۱۵ میلیون تن غلات تولید کردند.

اکنون که یک سال از برگزاری کنگره ششم می گذرد، زحمتکش صنعت و کشاورزی در سراسر کشور به ارزیابی موفقیت های خود در مسابقه تولید مشغولند. تنهادر رشته فلز - کاری ۵۰۰۰ پیشنهادهای بهبودی به مرحله اجرا گذاشته شده است.

کامیابی های اقتصادی در افزایش سطح زندگی مردم کوه دمکراتیک بازتاب یافته است. در سالهای گذشته بهیژه موفقیت های مردم این کشور در گستره های آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی چشمگیر بوده است. درسی و سه سالی که از حیات جمهوری دموکراتیک خلق کوه می گذرد، بر میانگین طول عمر مردم این کشور ۳۵ سال افزوده شده

چند دانستی درباره اتحادیه "بین المجالس"

برای ترکیب پارلمان های کشور های گوناگون نمونه وارند. در کنفرانس ها و انجمن ها و گویان، پرو، کنگو، بنین، اوگاندا و زیمبابوه در خواست عضویت در اتحادیه بین المجالس را کرده اند. فعالیت های این اتحادیه را "شورای بین المجالس رهبری می نماید، که در آن از هر پارلمان دو تن عضویت دارند. رئیس این شورا اکنون دکتر رافائل کالدرارودریگس است. وی در عین حال ریاست کمیته اجرایی را به عهده دارد. که از ده عضو تشکیل می شود. مقر دبیرخانه "کمیته اجرایی" در ژنو است. یازده سال است که دکتر پیوکارلو ترنسیو (ایتالیا) دبیر کل اتحادیه بین المجالس است.

اخیراً شصت و هشتمین کنفرانس "اتحادیه بین المجالس" در هاوانا، پایتخت کوبا، تشکیل شد. هیئت نمایندگی مجلس شورای اسلامی ایران نیز در این کنفرانس شرکت کرد. در زیر اطلاعاتی درباره "اتحادیه بین المجالس" از نظر خوانندگان گرامی می گذرد: هدف "اتحادیه بین المجالس" که بیش از ۹۰ سال پیش (۱۸۸۹) تاسیس یافت، عبارتست از: ترتیب تماس میان اعضای پارلمان های جهان و اقدام مشترک آنها به سود صلح جهانی و همکاری بین المللی. اعضای جمعی "اتحادیه بین-المجالس" گروه های ملی هستند، که

دمکراتیک خلق کوه سالیانه به میزان ۳۰ هزارهکتار گسترش یابد. در توسعه کشاورزی کوه دمکراتیک صنایع ماشین سازی و شیمیایی که بهیژه به یاری اتحاد

شوروی احداث شده اند، نقش مهمی را ایفا کرده اند. بر پایه برنامه هفت ساله کنونی، جمهوری دموکراتیک خلق کوه در سال ۱۹۸۴ پنج میلیون تن کوه تولید خواهد نمود.

"اربعین بودیا بازار معامله اسلحه روسی؟" نوشت:

امروز اربعین چیز دیگری طرح گردید و علناً به نفع ابرقدرت روس و تکیه به آن برای مبارزه با آمریکا تبلیغ شد. هر چند از گردانندگان جریان اربعین این سیاست های شرق گرایانه و سازشکارانه تازگی ندارد، ولی اولین بار است که بخشی از نیروهای جنبش اسلامی این قدر گستاخانه به تبلیغ اتکا به شوروی و دلالتی اسلحه های روسی می پردازند. (رنجبر - شماره ۱۴۲ - ۱۳۵۹)

تبلیغ علیه نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی در کنار حمله به پیروان صدیق خط امام

حزب آمریکا ساخته و پکن پرداخته "رنجبران"، چنانکه در بالا آمد، می پروا اتحاد شوروی را بعنوان دشمن اصلی معرفی می کرد و آمریکا جهان خوار را در بوته جمال می گذاشت. برای تکمیل این "سیاست"، رنجبر هم، به سبب دیگر اعضای جبهه متحدان انقلاب، در کنار حمله به پیروان صدیق خط امام، به تبلیغ کین توزانه و افترا آمیز علیه نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی می پرداخت. "رنجبر" غالباً پیروان صدیق خط امام و نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی را یکجا مورد حمله قرار می داد. "رنجبر" صریحاً می نوشت:

"سیاست مامبتنی است بر منفرد کردن کامل مستبدین حاکم و حامیان آنان باند کیانوری و دارودسته نگهدار - کشتگر". (رنجبر - شماره ۱۵۶ - ۳۰ دی ۱۳۵۹)

و یا: "عمل قدیمی و کهنه کار روسیه (حزب توده) و سرسپردگان نوپای آن (چریک های اکثریت) به دستیاران و همکاران صمیمی مستبدین در اعمال سرکوب و عملیات تروریستی علیه توده ها و نیروهای سیاسی استقلال طلب تبدیل گشته اند". (رنجبر - شماره ۱۵۷ - ۱۴ بهمن ۱۳۵۹)

"رنجبر" از هم این دشنام ها و اتهامات، که مافقط به مشت کوچکی از خوار عفوئی آن اکتفا کردیم، در واقع "سیاست قبلی خود، یعنی خارج کردن آمریکا و متحدان داخلی آن از زیر ضربه و منحرف کردن افکار عمومی برای وارد کردن ضربه به انقلاب، رادنبال می کرد. "رنجبر" پیوسته بر این دروغ بزرگ تاکید می کرده که: "عمل روسی جنگ داخلی را تدارک می بینند". (رنجبر - شماره ۱۳۱ - ۱۱ آذر ۱۳۵۹) و تقریباً در هر شماره می نوشت: "دارودسته کیانوری... از مدت ها پیش الگوی کودتا در افغانستان را بعنوان راه امانا انقلاب ایران مطرح کرده... (همانجا)

و هم اینها در حالی بود که "حزب رنجبران"، در کنار دیگر اعضای جبهه متحد ضد انقلاب، برای کودتای واقعی لیبرالی علیه انقلاب آماده می شد، که شرح آن در شماره بعد خواهد آمد. (ادامه دارد)

عمال روس جنگ داخلی را تدارک می بینند

تفاها و اختلافات در جامعه های ما کمین هر روز شدت بیشتری می یابد. عمال روس نقش موشی در این اختلافات و در این زمین به آن رسیده اند و در هر مدتی که به آن تلاش دارند تا در میان این اختلافات را به جنگ داخلی بکشاند. آقای بنی صدر با لایحه ای که در این روزها در مجلس شورای اسلامی مطرح شده، در این باره به عنوان منبذ خوار نگار افرا رسیده و در کارها به رئیس جمهور کوه در آفرینا اشتیاق دارد. در این باره هم عوامل روس در دستگاه کمین روسی نقش دارند. ایندولوزی توسط عوامل روس چنین گفت:

(رنجبر - شماره ۱۳۱ - ۱۱ آذر ۱۳۵۹)

است؟ کامبوجه؟ آمریکا است؟ آمریکا بر سر خلق اریتره بمب می ریزد؟ آمریکا میمن جنوبی را ساخونظامی خود کرده؟ ملیت های تحت ستم مسلمان ساکن شوروی چه؟ آمریکا است؟ و قس علیهذا.

شعار "آمریکا دشمن شماره یک خلقهای جهان"، را شاعر درست گردید؟ شما باب دهان - ها گردید؟ یا مسکوکو اعوان و انصارش اینرا در حال حاضر در شبپور خود می دمند؟ (همان شماره) و در شماره دیگری، در پاسخ سخنان حجت الاسلام خوئینی ها، نوشت:

با این تفاسیر آنها می گویند شعار ضد امپریالیستی تنها "مرگ بر آمریکا" است، آنها می گویند که کوبا را دوست دارند "بخاطر اینکه ضد آمریکا است"، آنها می گویند "شعار نه شرقی، نه غربی" غلط است و نظایر اینها، آیا عیار ضد امپریالیست بودن نشان بیش از باند کیانوری است؟ یا عیار ضد امپریالیست بودن آنها بیشتر از عیار ضد امپریالیستی مسکوست؟ واقعیت این است که امروز در ایران دو خط ضد امپریالیستی وجود دارد، اولی خط واقفان و صدیق خط امام است، خط "نه شرقی، نه غربی"، خطی که می گوید "مرگ شوروی و آمریکا و هر قدرت دیگری که می خواهد دیگران را استعمار کند، باید شعار ما باشد. این خط اکثریت عظیم مردم و نیروهای سیاسی کشور است". (رنجبر - شماره ۱۴۰ - ۲۲ دی ۱۳۵۹)

"رنجبر"، که بر اساس سیاست دیکته شده از جانب برزیسکی، لحظه ای از محور فعالیت تبلیغاتی خود، یعنی خارج کردن آمریکا از زیر ضربه و جانستین کردن شوروی بجای آن، غافل نبود، در دو شماره بعد، تحت عنوان

به فلان یا بهمان جمله آمریکا می توجه دارند، ولی سیاست عمومی روسیه شوروی را با فکراتیکانه نشاء - الله گریه است، به نسیان می سپارند؟ (همانجا)

در ادامه همین مطلب، "رنجبر" شدیداً به کشورهای "جبهه پایداری" و بهیژه لیبی و سوریه حمله کرد:

"اما اگر سوریه از اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی نه تنها دفاع نمی نمود، بلکه آنرا محکوم نیز می ساخت، اگر سوریه با شوروی از آن قرارداد های معروف بیست ساله امضا نکرده بود و دائماً از اعراب دعوت نمی کرد تا با شوروی متحد شوند و خلاصه در کنار مواضع ضد امپریالیستی - اش با بر قدرت روس هم فاصله می گرفت و ما می خواستیم با او متحد گردیم، باز هم عمال روس از سیاست خارجی ما تعریف می کردند؟ اگر لیبی اینبار اسلحه روسی نبود، با شوروی رابطه حسنه نداشت و غیره و ما می خواستیم با او متحد شویم، آیا عمال روس از سیاست خارجی ما تعریف می کردند؟ حتماً نه. حتماً می گفتند لیبی آمریکا بی است، زیرا نفقت که به آمریکا می فرود شد و هنوز شرکت های نفتی آمریکا که در آنجا وجود دارند و... یا اینکه قذافی دوست صمیمی جیمی کارتر است!!" (رنجبر - شماره ۱۳۱ - ۱۱ آذر ۱۳۵۹)

و در ادامه همین "سیاست"، "رنجبر" به بهانه تصویب قرارداد ترانزیت ایران و شوروی در مجلس شورای اسلامی، نوشت:

"اکنون، با تصویب پروتکل عریض و طویل دستخست همان هیات مخفی روسی، کرملین موفق شده تا با سوء استفاده از شرایطی که خود در ایجاد آنها نقش فعال و حتی درجه یک داشته (جنگ تجاوزکارانه عراق و...) این قرارداد را به ماتحمل نماید. بیبهبود نیست که عمال کرملین در ایران بادم خود گرد می شکنند و در روس نامه خود هر روز تیتراهای نظیر "سیاست خارجی ایران به راه درست گام نهاده است" و یا "سمت گیری ضد امپریالیستی سیاست خارجی ایران چاپ میزند و دیگر مثل سال گذشته از "ابهام" و "گردش" به راست در سیاست خارجی ایران دم نمی زنند (به نظر عمال روس، سیاست نه شرقی، نه غربی سیاست "مبهمی" است و قاطعیت در برابر شوروی "گردش به راست" است).

راستی چه کسی می توانست باور کند که نخستین قرارداد مهم بین المللی که به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران می رسد، قرارداد عریض و طویل با ابر قدرت متجاوز روس باشد که بر طبق آن شاهراهی در برابر نفوذ این ابر قدرت در میهن ما گشوده می شود؟! (همانجا)

"رنجبر" این "سیاست" را با پیگیری دنبال کرد و در چند شماره تیتراول خود را اختصاص به "خطری" داد که به اصطلاح ایران راه بدنبال تصویب قرارداد ترانزیتی، تهدید می کرد. از جمله تیتراول شماره ۱۳۵ "رنجبر" مورخ ۲۰ آذر ۱۳۵۹، توجهنکند: "قرارداد ترانزیتی شوروی، خطرات زیادی را برای استقلال ایران در بر دارد".

"رنجبر" در همین شماره به صراحت نوشت: "می گویند امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک همه خلقهای جهان است. می پرسیم دشمن شماره یک خلق افغانستان کیست؟ آمریکا است؟ مغولستان چه؟ آمریکا است؟ لهستان چه؟ آمریکا

متحدان بنی صدر...

بقیه از صفحه ۳ حاکمیت را چنین آغاز کرد: "موضع انقلابی نمایان با این فرصت... نلبان که خود را تنها نماینده "خط امام" دانسته، همه را به جوب لیبرال و سازشکار می رانند نیز بیشتر آشفته شد... (شماره ۱۲۴ - ۲۳ آبان ۱۳۵۹)

خارج کردن آمریکا از زیر ضربه

و درست در همین روزها احمد عضنفر پیور، که در اروپا جز کادر رهبری "سازمان انقلابی" بود در آستانه پیروزی انقلاب همراه همسرش، سودا به سدیفی، که او هم از اعضای کادر رهبری "سازمان انقلابی" بود، تحت تعالیم بنی صدر، "اسلام" - البته اسلام جینی - آمریکایی - آورده بود، به طرح توطئه "القاء" ایدئولوژی در روزنامه "انقلاب اسلامی" پرداخت. هدف از طرح جنجال آمیز این حربه قدیمی امپریالیسم، از طرفی خارج کردن آمریکا از زیر ضربه، چنانکه بعداً معلوم شد، از طرف دیگر، ردگم کردن برای فراهم کردن زمینه رخنه و "نفوذ" امثال "کشیری" - ها و "گلاهی" ها و "فخارزاده" ها به ارگان های اجرائی و انقلابی بود. "حزب رنجبران" هم مسلمان می توانست در این توطئه شرکت نداشته باشد. در سرمقاله "رنجبر" روز ۱۱ آذر ۱۳۵۹، تحت عنوان "عمل روس جنگ داخلی را تدارک می بینند"، ابتدا سخنان بنی صدر درباره "القاء" ایدئولوژی (بنقل از "گاز نامه بنی صدر" مورخ ۸ آذر ۱۳۵۹، در روزنامه "انقلاب اسلامی") بر حسته شده بود.

روشی که اینها برای القاء ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آنهارنگ آن ایدئولوژی، که مال خودشان نیست و با اصطلاح غالب است را به خودشان می دهند و می روند توی آن خط... سپس بانگیکه بر این نظر خود "رنجبر" نتیجه گیری کرده بود:

... دارودسته کیانوری همان دستهای آقای بنی صدر به آن اشاره می کند. این دارو دسته از مدت ها پیش الگوی کودتا در افغانستان را به عنوان راه امانا انقلاب ایران مطرح کرده و امروز با تمام قدرت تلاش دارد با با اصطلاح "دفاع از روحانیت" و "دفاع از خط امام"، "جبهه" اسلامی ها را به انشعاب کامل کشانیده و جنگ داخلی را برپا دارند. (رنجبر - شماره ۱۳۱ - ۱۱ آذر ۱۳۵۹)

این سخنان، که همزمان از جانب همه اعضای جبهه متحدان انقلاب و بهیژه بنی صدر با پیگیری و جنجال دنبال می شد، هدفی غیر از این نداشت که در آستانه توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، که در آن روزها (آذر ۱۳۵۹) وارد مرحله عملی جدیدتری می شد، آمریکا را از زیر ضربه خارج و دشمن موهومی را جانستین آن کند. پیرو همین "سیاست" بود که "رنجبر" نوشت:

"چرا امروز عدما می نسبت به آنچه بوی آمریکا می دهد، سخت حساس اند، ولی آنچه بوی روس می دهد مشتاقان را نمی آزارد؟ چرا

تاکتی در ...

بقیاض صفحه ۱
و دیگر کسی نیست که بدنبال طرد
باندینی صدر و شکست یکی دیگر از
نوطه‌های امپریالیسم آمریکا برای
سخن‌انقلاب، پرده‌های تاریک و جیب-
های بنفش رسانه‌های گروهی
امپریالیستی را نشنیده باشد. این
بوق‌های امپریالیسم ساخته و صهیو-
نیزم برداخته، اینک به‌مثابه یکی از
بازوهای اصلی امپریالیسم جهانی به
سرکردگی آمریکا، برای شکست
انقلاب‌های خلق‌های جهان، بدستور
"سا" و "پناگون"، مستقیماً علیه
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عمل
می‌کنند. و این نکته نیز بر مقامات
و گردانندگان جمهوری اسلامی ایران
بوسیده نیست که:

"نطفه" نام مشروع
امپریالیسم خبری در رحم نام مبارک
ترویج‌گرایی ستمی شود و چهره
امپریالیسم خبری وجودی خارجی
یافته و در عرصه لجن‌پراکنی و دروغ-
آفرینی و تفرقه‌انگیزی و نفاق‌افکنی،
ابداً نقش مهم و قابل توجهی می-
شود. (۲۵ مرداد ۶۰ - روزنامه
کیهان - از مقاله "چهره" خبری
امپریالیسم و نقش فرانسه)
باز بگردان این عرصه ترویج‌گرایی
نیز مشخصاند:

"... امپریالیسم ... بسر-
دمداری شیطان بزرگ آمریکا در ارتباط
با اتحاد نامقدسش با کشورهای اروپایی
منحدرش ... توانسته است اکثریت
فربه‌ها اتفاق رسانه‌های خبری، اعم
از مطبوعات، ماهواره‌های مخابراتی،
دستگاه‌های وسیع و مدرن خبری و
... را بداند حصار خویش درآورد.
معمولترین و سرشناسترین بنگاه‌های
سخن‌پراکنی، ترویج‌پراکنی و دروغ-
پراکنی امپریالیسم خبری عبارتند از:
خبرگزاری‌های یونایتد پریس، آسو-
سینت پریس، رویتر، فرانسیس پریس ..."

و یا: "خبرگزاری آمریکائی
آسوسینت پریس، که با سرمایه
صهیونیست‌های آمریکایی اداره می-
گردد. (۶ مرداد ۶۰ - آزادگان -
از اطلاعیه وزارت امور خارجه جمهوری
اسلامی ایران)
گسترده‌گی عمل و حیطة فعالیت
این بنگاه‌های دروغ‌پراکنی نیز روشن
است:

"... در هر روز متجاوز از ۴۵
میلیون کلمه و واژه به کمک این ۴
خبرگزاری بزرگ جهانی، که ۱۰۰ درصد
وابسته به امپریالیسم جهانی‌اند، به
۱۱۰ کشور جهان مخابره می‌شود. ...
متجاوز از ۸۰ درصد از اطلاعات و
اخباری که از رادیوها و تلویزیون‌های
جهان پخش می‌شود و یا در مطبوعات
بزرگ جهان به چاپ می‌رسد، از
محصولات یونایتد پریس ... است. ...
آسوسینت پریس، به‌مثابه یک پایگاه
خبری کاملاً صدمردمی و در خط
چپ‌اول توده‌های تحت ستم، متجاوز از
۱۰ هزار روزنامه را در سراسر جهان
تقدیم می‌کند. ... (همان جا)
هدف این ... آشیانه
امپریالیسم خبری ... (همان جا)
نیز واضح است:

"... سیستم شیطانی قسرن
(امپریالیسم) ... از روش‌های زیر
کمکی گیرد:

- حتی المقدور کشورهای تحت
سلطه را از اخبار و جریان‌ها انقلاب
های رهائی بخش و مبارزات ملت -
های تحت ستم و روش‌هایی که کشور-
های تحت سلطه به کمک آن‌ها از یوغ
بنده‌گی و بردگی رهائی جستند، بی
خبر نگه‌داشته و شدیداً تحت سانسور
قرار دهد.
- امپریالیسم خبری می‌کوشد
تا با اشاعه، ارائه و ترویج اطلاعات
دروغین، مردم را از اخبار حقیقی و
واقعی بدور نگه‌دارد.
- ایجاد و رشد مسائل و مشکلات
بیشمار سیاسی، اجتماعی ... در
جوامع انقلابی جهت شکست کشاندن
انقلاب‌های رهائی بخش و آزادی -

بخش راستین؛
- تغییر جهت دادن و منحرف
ساختن افکار عمومی توده‌های انقلابی
تحت ستم؛
- گشودن جبهه‌فرعی در
داخل انقلابیون راستین و تقویت
جبهه‌فرعی و انحرافی، بهره‌برداری
دقیق از اختلافات جزئی موجود بین
انقلابیون ... (۲۸ مرداد ۶۰ -
روزنامه کیهان)

و ما خوب این بنگاه‌های دروغ-
پراکنی را هم زیاد خوردیم:
... وزارت امور خارجه
جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای
گزارش خبرگزاری آسوسینت پریس مبنی
بر حمل اسلحه اسرائیل توسط
هواپیمای آرژانتینی ساقط شده در
خاک شوروی به مقصد تهران را تکذیب
کرد. ... (۵ مرداد ۶۰ - کیهان)

و یا: "در پی انتشار خبر
خبرگزاری فرانسیس پریس مبنی بر برود
شدن دود دختر خردسال بهائیتی در
ایران، رضا علوی سخنگوی وزارت امور
خارجه جمهوری اسلامی ایران ... طی
گفتگویی ضمن تکذیب این خبر اعلام
کرد که طرح اینگونه مسائل در شرایط
کنونی برای لوث کردن اجازه
پناهندگی دولت فرانسه به بی‌بند
ورجی و هم‌راهانش است. ... (۱۲
مرداد ۶۰ - کیهان)

و باز هم ... مصاحبه‌هایی
روزنامه‌های بزرگ کل بانک مرکزی
ایران ... روزنامه‌های لندن دروغ-
گویی را به حدی رسانده که در یکی
از شماره‌های اخیر خود از قول دکتر
محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی
ایران اعلام کرده است که اقتصاد ایران
ظرف چند ماه آینده از هم خواهد
پاشید. ... رئیس کل بانک مرکزی
ایران ضمن تکذیب شدید نقل قولی که
از جانب وی در روزنامه تایمز لندن
درج شده اظهار داشت: این نیز یکی
دیگر از حیل‌های کثیف استعمار است
که هم‌زمان با او جگیری تبلیغاتی یا
سیاسی و تجاوز نظامی عمال آمریکا
صورت می‌گیرد. دکتر نوربخش افزود
طی مدتی که من به ریاست بانک مرکزی
منصوب شده‌ام حتی یکبار نیز با
روزنامه تایمز لندن مصاحبه نکردم.

ام. اصولاً طی یک ماهه اخیر هیچ‌گونه
مصاحبه مطبوعاتی داخلی و خارجی
نداشته‌ام. ... (۲۲ شهریور ۶۰ -
اطلاعات)

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که
آشیانه‌های "امپریالیسم خبری" در
طول مدتی کمتر از یک ماه اقتصاد
ایران را زور شکسته‌شان دادند، شریک
معاملات ایران را دولت غاصب
اسرائیل و کار دولت ایران را بهائی-
کشی!

آیا همه این‌ها جز در خدمت آن
هدفی است که مقاله نویسنده روزنامه
کیهان به درستی آن را چنین بیان
می‌کند:
"... کشورهای مشترک -
المنافع ... وهم پیمان آمریکا ... به
خوبی می‌دانند که به منظور تحقق
سیاست غارت و جهان‌خوارگی، نخست
باید زمینه‌های لازم را در دایره تفکرات
توده‌های ساده‌اندیش و مظلوم، و نیز
در حیطة افکار قربانیان خود ایجاد
و تقویت نمایند. به عبارتی ساده‌تر
افکار قربانیان محروم خود را مستعد
پذیرش سیاست‌های ضد انسانی و ضد-
اسلامی خویش سازند. ... (۲۵ مرداد
۶۰) این شناخت، که اکنون همه
مسئولان درجه اول کشور و همه
مطبوعات بزرگ ایران بدان مجهزند
و دیگران آن را بیان می‌کنند، هم
درست است و هم مایه خرسندی. اما
چگونه است که برای مثال - درست
در همان صفحه‌ای که مقاله روشنگرانه
بالا درج شده است، از ۱۷ خبر خارجی

۱۱ خبر از قول همین خبرگزاری‌ها،
همین آشیانه‌های امپریالیسم خبری
است؟ چگونه است که در کنار افشاء
اهداف جنایتکارانه "امپریالیسم
خبری" در روز ۲۸ مرداد ۶۰ در
روزنامه کیهان، در کنار مقاله بالا و
در همان صفحه، از ۱۴ خبر خارجی
۱ خبر از خبرگزاری فرانسه، ۱ خبر
از رویتر و ۱ خبر از آسوسینت پریس

با کمال تاسف کار گاه به‌جائی
میرسد که ظاهراً حتی ... گزارش
وزارت امور خارجه آمریکا در باره مواضع
افغانستان ... (۱۸ مرداد ۶۰ -
کیهان) برای برخی از روزنامه‌ها موق
است و چنان‌ظاهراً خوش آیند، که ۲
روز بعد همان خبر را، با آ ب و تاب
بیشتری، بدون برخورد خلاق
و انقلابی این بار از قول رویتر، مجدداً
نقل می‌کنند.

نقل شده است؟ و چگونه است که این
مشئ بر همه وسایل ارتباط جمعی ایران
حاکم است؟

عجیب است که این رسانه‌های
گروهی، در حالیکه "امپریالیسم خبری"
را افشاء می‌کنند، خود هم در دام آن
می‌افتند! ضمناً این گرفتاری در دام
دشمن بیشتر وقتی است که خبر مربوط
به کشورهای سوسیالیستی و احزاب
کارگری جهان باشد. و درست همین
جاست که باید پرسید: آیا امپریالیسم
خبری فقط به ایران انقلابی نظرسو
دارد، یا هدف آن بطور کلی ...

ایجاد و رشد مسائل و مشکلات بی‌شمار
سیاسی، اجتماعی ... در جوامع
انقلابی جهت به‌شکست کشاندن
انقلاب‌های رهائی بخش و آزادی بخش
راستین ... است؟ (۲۸ مرداد ۶۰ -
کیهان)

به همین دلیل است که ما سؤال
می‌کنیم: سیاست یک‌پام و دو هوای
رسانه‌های گروهی ایران، در ارتباط با
"امپریالیسم خبری"، تا کی ادامه
خواهد یافت؟ اگر امپریالیسم جهانی
به سرکردگی آمریکا، دشمن انقلاب
ضد امپریالیستی ماست، آیا دوست
جنش ضد امپریالیستی ملت افغانستان
است و یا آن‌را پذیراست؟ اگر جواب
مثبت است، این ماهیست دوگانه؟

امپریالیسم در منطقه را چگونه باید
توجه کرد؟ مگر می‌شود که آمریکا در
ایران ضد انقلاب امپریالیستی و در
افغانستان طرفدار مبارزات ضد -
امپریالیستی باشد؟ و یا خبرگزاری
فرانسه که سیاست دولت ایران را
بهائی‌کشی معرفی می‌کند، آیا در
ارتباط با کشور همسایه ما افغانستان،
میتواند موضع بیطرفی داشته باشد؟ و

اگر نه، تا کی باید ما جهان را با عینک
"امپریالیسم خبری" ببینیم، و تا کی
باید ایران انقلابی، همان خزعبلات
بلندگوهای امپریالیستی را در مورد
کشورهای مستقل و دمکراتیک و نهضت-
های آزادی بخش جهان تکرار کرد؟

ما از مسئولین امر سؤال می‌کنیم
که: چرا شورش مردم گامبیا علیه نظام
ضد خلقی این کشور در ستم منطبق با
خواست "امپریالیسم خبری"، در ایران
به عنوان "کودتای چندجیب‌گرا" جلوه
داده شد و آن‌هایی که در ایران دمی از
غم "اشغال افغانستان توسط شوروی"
راحت نیستند، به راحتی تکرار کردند
که: " ... رئیس جمهوری گامبیا.

... اعلام کرد طی چند ساعت آینده
نیروهای سنگالی به کل شورش چپ -
گرایان را در این کشور سرکوب خواهند
کرد. ... نیروهای سنگالی بدرخواست
رئیس جمهوری گامبیا، که در پی یک
کودتای چپی در این کشور از کار بر-
کنار گردید، وارد گامبیا شده‌اند. ...
(۱۰ مرداد ۶۰ - روزنامه کیهان)

دوباره این‌ها خبر را بخوانید: آیا
رژیم نیست که گنگ‌گنگ‌گنگات این خبر
که توسط خبرگزاری‌های امپریالیستی
مخابره شده، بر اساس قصد و نیت
امپریالیست‌ها تنظیم شده است؟
راستی نیروهای سنگال در گامبیا چه
می‌کنند؟

خبرنگار خبرگزاری فرانسه
وقتی در ایران بود و با چشم خود
حوادث را می‌دید، دروغ می‌نوشت،
تحریف می‌نمود و جعل می‌کرد. حال
چگونه است که خبر "خبر ... خبر -
گزاری فرانسه از فرانسه از تفکورت ...
(۱۰ مرداد ۶۰ - کیهان) درباره
افغانستان، به نقل از "دیپلمات‌های
هندی در پاکستان" برای ما موق
از کار در می‌آید، و روزی نیست که
رسانه‌های گروهی ما این مطالب
امپریالیسم ساخته را در مورد
افغانستان تکرار نکنند؟

بگذار آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

روند تضعیف تدریجی ارتش مهاجم
صدام از یکسو و روند تقویت نیروهای
مسلح جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر
که سرانجام تعادل نیرو را بسود ما و بزبان
دشمن متجاوز برهم زد. از این دیدگاه،
اهمیت پیروزی پنجم مهرماه، در شمال
آبادان، موضعی محلی و تاکتیکی نیست،
اهمیت آن استراتژیک است، بهره‌برداری
از آن برای رفع کامل تهدید از آبادان و
آزاد کردن خونین شهر و شکستن جناح
چپ جبهه دشمن و ایجاد تزلزل در
مجموعه جبهه ۷۰۰ کیلومتری دشمن، بر
عهده طراحان نقشه‌های نظامی و فرمانده-
های نیروهای مسلح است.

از نظر سیاسی، پیروزی پنجم مهر
ماه، در شمال آبادان، باعث تزلزل بیشتر
رژیم سست و ضد خلقی صدام است.
صدام روزهای اول تجاوز خود را "فاتح"
معرفی می‌کرد، سپس مجبور شد توجیه‌کنند
که چرا پای خوارشما چشم به گل فرو
رفته و میخکوب شده است. حالاً باید
جواب مردم عراق را بدهد که دلیل این
جنگ حقانانه، که جز شکست و تلفات جانی
و خسارات مالی نتیجه دیگری ندارد، چه
بوده است. تردیدی نیست که شکست
نظامی صدام، فروپاشی رژیم دست-
نشانده ضد خلقی او را بدنبال خواهد

داشت و این دست‌آورد آمریکا و امپریالیسم در
منطقه نیز منهدم خواهد شد. به همین
دلیل باید انتظار داشت که آمریکا و
متحدان و دست‌نشانده‌هایش در منطقه
برای تقویت نظامی و برای حفظ رژیم
صدام، هر آنچه در توان دارند، انجام
دهند. در برابر باید از تقویت همه‌جانبه
نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در
جبهه جنگ لحظه‌ای غافل نشد.

از نظر روانی، پیروزی پنجم مهر
ماه، در شمال آبادان، ضربه‌سختی بر
نیروی متجاوز صدام است. روحیه هر
متجاوزی از بنیاد سست است. ضعف
بالقوه ارتش‌های متجاوز از اینجا است. این
ضعف به‌نگام پیشروی نمایان نیست، ولی
به‌نگام شکست بشدت بروز می‌کند. به
یقین می‌توان گفت که روحیه ارتش متجاوز
صدام، اکنون بشدت دچار تزلزل شده
است. از این رو باید انتظار داشت که صدام
برای "تزیق" روحیه به‌سربازان عراقی،
در صد دیک عمل مایوسانه متقابل برآید.

درهم شکستن بی‌امان حملات متقابل
احتمالی نیروهای دشمن، معادل در هم
شکستن کامل روحیه ارتش متجاوز صدام
خواهد بود، که برای دستیابی به پیروزی
نهائی در سراسر جبهه، عاملی تعیین
کننده است.

درباره عوامل پیروزی نیز باید
سخنی چند بیان داشت و نتایجی گرفت:
نخستین عامل پیروزی، قهرمانی
جمعی نیروهای مسلح ما - ارتشیان،
پاسداران، نیروهای مسلح مردمی، و نیز
مقاومت دلیرانه مردم در منطقه جنگ است
این قهرمانی ناشی از اعتقاد راسخ به
انقلاب اسلامی، ضد امپریالیستی،
رهائی بخش و مردمی، اعتقاد راسخ به
انقلابی است که هدفش تأمین استقلال
کشور و رهائی مستضعفان از هرگونه
ستمگری است. پیشرفت و تعمیق انقلاب

اگر مدعی انقلابی بودن هستیم
و اگر مدعی شناخت ماهیت
"امپریالیسم خبری" هستیم، چرا باید
چنین مهملائی را تکرار کنیم؟ و تازه
کار به نقل خبرهای این چنینی نیز تمام
نمی‌شود. بسیاری از تفسیرهای خارجی
رسانه‌های گروهی ما نیز بر اساس
نوشته‌ها و اطلاعات "امپریالیسم
خبری" تنظیم می‌شود.

آیا وقت آن نرسیده است که ما نه
از پس عینک "امپریالیسم خبری"، که
از موضع ایران انقلابی و دفاع از مواضع
انقلابیون جهان به مسائل برخورد
کنیم؟ حساب بسیار ساده است: اگر
امپریالیسم دشمن محرومان جهان
است، ایران انقلابی باید همه‌جایا و
محرومان جهان و در کنار نمایندگان
این محرومان باشد و برای عینیت

پاداش شایسته‌ای به این قهرمانی ایثار-
گرانه جمعی، به این فداکاری و جان‌بازی
است. این قهرمانی همچنین ناشی از
خصلت تدافعی، دفاع از وطن، از
خانواده، از ناموس و شرف است، که توأم
با اعتقاد راسخ به انقلاب اسلامی، حماسه
های آفرینند.

عامل دوم، بیشک، هماهنگی نیرو
های مسلح - ارتشی، پاسدار و دیگر
نیروهای مردمی است، رهائی از کار شکنی
بنی صدر خائن است. حجت الاسلام
هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای
اسلامی، اشاره کردند که اگر بنی صدر
و کار شکنی انبوه، ما هشت ماه پیش
می‌توانستیم به چنین عملیات پیروز -
مندانه‌ای اقدام کنیم. بنی صدر در واقع
ماری در آستین بود، قبل از تهاجم صدام
حدود هفت ماه را، بعنوان فرمانده کل
قوا، به بی‌طالت گذراند، و حال آنکه به
روشنی معلوم بود که صدام در کار تدارک
تجاوز است.

بعد از درگرفتن جنگ تحمیلی نیز،
کارش جداسازی ارتشی و پاسدار و کار -
شکنی در کار، هم ارتش و هم سپاه
پاسداران بود. جراحی این غده سرطانی،
باعث سلامت نیروهای مسلح و هماهنگی
عمل بین آنها شد. بدیهی است هر قدر
روند این هماهنگی به درجات عالی‌تری
ارتقا یابد، قدرت کوبنده‌تری، گروهی
مسلح ما افزون‌تر و کسب پیروزی‌های
تعیین‌کننده در جبهه جنگ‌ها را تر
خواهد شد.

عامل سوم، بی‌تردید، بهیچ‌سود
تسلیحات و تدارکات و آرایش قوا است.
این دیگر رازی نیست که در روزهای اول
جنگ، بویژه در جبهه جنوب، کار
آرایش قوا و تسلیحات و تدارکات جنگی
از هر دو پامی لنکید و این جان‌بازی بی -
دریغ سپاهیان و مردم بود که توانستند
سینه خود را سیر بلا کنند و پیشرفت دشمن
سع را متوقف سازند. بدیهی است
تجهیز نیروهای مسلح به همه‌گونه
تسلیحات لازم از هر نوع و انجام تدارکات
کافی و لازم در هر زمینه، کاری است که باید
بمقیاسی که برای درهم شکستن کامل
دشمن در سراسر جبهه جنگ لازم است،
ادامه یابد.

عامل چهارم، طرح نقشه‌های در
خور و کاردانی فرماندهی است. ما در این
بار به اظهار نظر خاص نمی‌توانیم کرد،
زیرا مربوط به فن جنگ و هنر فرماندهی
است. قدر مسلم اینست که تقدیر از
فرماندهان لشکر ۷۷ خراسان، که طرح
ضربه پنجم مهرماه را در شمال آبادان به
خوبی اجرا کردند، حاکی از این است که
اراین پس می‌توان انتظار طرح‌های
تعرضی بزرگ و اجرا موفقیت آمیز آنها را
داشت.

در مجموع، همان‌طور که در آغاز
گفته شد، ضربه کوبنده پنجم مهر ماه بر
دشمن در شمال آبادان را می‌توان
نقطه عطفی در جنگ دانست، که
آمریکای جنایتکار بوسیله صدام جانی بر
ما تحمیل کرده است.

بگذار آمریکا بر خود بلرزد. خاک
ایران از لوث وجود تجاوزگران صدامی
پاک خواهد شد. انقلاب شکوهمند خلق
قهرمان ایران، برهبری امام خمینی،
عالی‌رغم تمام ترفندهای امپریالیسم،
بسرکردگی آمریکا، تمام توطئه‌های
خارجی و داخلی، تمام کار شکنی‌ها
و فتنه‌انگیزی‌ها، به پیروزی دست خواهد
یافت.

نخشدن به این باوری جهانی، راهی
نیست، جز آنکه بنده‌های پید و نابیدای
خود را با امپریالیسم ببریم. ادامه
سلطه "امپریالیسم خبری" بر رسانه‌
های گروهی مایکی از این بنده‌هاست.
این بند را باید بسود انقلاب ایران
برید، و برای اینکار لازمست که اخبار
خبرگزاری‌های امپریالیستی از صافی
مصلحان انقلاب ایران بگذرد.

خبر سرفر رئیس خبرگزاری پارس
به سوریه، لیبی و الجزایر برای همکاری
در زمینه خبری و هماهنگ ساختن مقابله
با "امپریالیسم خبری" تویدی می‌دهد
که برای مبارزه قاطع با "امپریالیسم
خبری" نیز نیروهای ضد امپریالیستی و
ضد صهیونیستی متحد شوند و گام -
های جدی بردارند.

آیندیراگاندی:

آمریکا و پاکستان از حل سیاسی مسئله افغانستان جلوگیری می کنند

آیندیراگاندی، نخست وزیر هند ایالات متحده آمریکا و پاکستان را با خاطر پیگیری سیاسی، که حل سیاسی مسائل پیرامون افغانستان را بازمی دارد "بیاد انتقاد گرفت. ایندیراگاندی در مصاحبه ای با هفته نامه هندی "نیوویو" گفت "این مسئله را تنها از راه های سیاسی میتوان حل کرد و این چیز است، که پاکستان خواهان آن نیست. "به عقیده نخست وزیر هند، ایالات متحده آمریکا از سیاست پاکستان در برابر افغانستان پشتیبانی می کند، زیرا که می خواهد وضع موجود ادامه یابد. در بمبئی، هفته نامه "بلیتزر" نوشته است که: "سفارت آمریکا در دهلی پایتخت هند را به میعادگاه

ضدانقلابیون افغانی بدل کرده است، که روانه ایالات متحده می شوند. " به نوشته این هفته نامه، تاکنون بیش از پانصد افغانی برای فرار از موختن فنون خرابکاری از دهلی به آمریکا رفته اند. به گفته بزرگ کارمل، رهبر افغانستان، باند های ۲۰-۱۰ نفری کماکان برای عملیات تروریستی به کشورش فرستاده می شوند. بزرگ کارمل در مصاحبه ای با هفته نامه ایتالیایی "پانوراما" گفت که جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را آمریکا، چین، مصر و عربستان سعودی رهبری می کنند. رهبر افغانستان آمادگی کشور خود را برای عادی سازی مسائل پیرامون

افغانستان از راه های دیپلماتیک یابد. آور گردید. رسانه های گروهی افغانستان بیانیه وزارت خارجه پاکستان را که گویا دولت آن کشور هیچگونه اطلاعی از سپردن سلاح های ساخت شوروی از سوی آمریکا به ضدانقلابیون افغانی ندارد، مورد استهزا قرار دادند. هفته پیش فاش شد، که آمریکا این سلاح ها را، که سالها پیش اتحاد شوروی برای جنگ علیه اسرائیل به مصر داده بود، از رژیم سادات خریداری کرده است. رسانه های گروهی امپریالیستی بارها ادعا نمودند که ضدانقلابیون افغانی این سلاح ها را از نیروهای شوروی به غنیمت گرفته اند.

وقایع مهم جهان در یک هفته

ادامه اشغال کرسی خلق کامبوجیا در سازمان ملل متحد.

اهانت به سه میلیون قربانی دارو دسته پول بوت

در مقر سازمان ملل متحد بیانیه وزارت خارجه کامبوجیا بعنوان سند رسمی "جمع عمومی" پخش شد. این بیانیه درباره تصمیم "جمع عمومی" پیرامون ادامه اشغال کرسی نمایندگی این کشور از سوی نمایندگان رژیم دار و دسته پول بوت است، که دو سال و نیم پیش سرنگون گشت. مانورهای ایالات متحده و چین به اتخاذ این تصمیم انجامید.

بیانیه وزارت خارجه کامبوجیا این تصمیم را "اهانتی به خاطر" سه میلیون قربانی کشتارهای رژیم پول بوت "خوانده است. از سوی دیگر، دولت کامبوجیا این ادعا را، که گویا در خاک آن از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده شده است، رد کرد. وزارت خارجه کامبوجیا در بیانیه ای، که در پنجمین انتشار یافت، اظهار داشت: اینگونه گزارش ها را کسانی پخش می کنند، که مسئول کشتار میلیونها نفر در هندوچین هستند. دشمنان کامبوجیا باتوسل به بهتان می کوشند تا وضع کشور را وارونه جلوه دهند.

از سوی دیگر، توپخانه نایلند بار دیگر مناطق مرزی کامبوجیا را زیر آتش گرفت. هواپیماهای نایلندی نیز حریم هوایی کامبوجیا را نقض کردند.

جنبش مخالفت با تولید بمب نوترونی گسترش می یابد

دائمارک، تصمیم ریگان را درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی محکوم کرد.

وی در مصاحبه ای با روزنامه مجارستانی "نپ سا پاچاک" گفت که بمب نوترونی همانقدر خطرناک است که هر جنگ افزار هسته ای دیگر. یورکسون افزود که دائمارک با استقرار جنگ افزارهای هسته ای در خاک خود موافقت نخواهد کرد. "شورای لندن بزرگ"، که در آن حزب کارگر اکثریت دارد، محدود خود را "منطقه برای جنگ" از افزارهای هسته ای "اعلام کرده است. شورای شهرداری ناتین گام نیز به تصمیم همانند دست یافت. این شورا در بیانیه ای افزود: "با اصطلاح "خطر شوروی" ساختگی است و ایالات متحده و "ناتو" از آن به عنوان مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته بهره می جویند.

تاکنون بیش از صد شورای شهرداری در بریتانیا اعلام کرده اند، که اجازه نخواهند داد موشک های هسته ای در محدوده شان استقرار یابد.

"حزب کارگر بریتانیا در کنفرانس سالیانه خود در برایتون مخالفت خود را با استقرار موشک های میان برد هسته ای آمریکا در آن کشور ابراز داشت. این کنفرانس تعطیل همه پایگاه های نظامی آمریکا را در خاک بریتانیا طلب کرد. کنفرانس سالیانه "حزب کارگر" با اکثریت چشمگیری قطعنامه ای تصویب نمود که بر پایه آن دولت آینده "حزب کارگر" موظف است، تا استقرار همه گونه سلاح های هسته ای، از جمله جنگ افزارهای هسته ای، را ممنوع سازد.

"کنفرانس برایتون" خواستار خلع سلاح هسته ای یک جانبه از سوی بریتانیا شد و این امر را گام بزرگی در راه ایجاد منطقه ای برای سلاح های هسته ای در اروپا خواند.

در هلند، حتی یک حزب سیاسی از تصمیم دولت آمریکا درباره تولید کلاهک های نوترونی پشتیبانی نمی کند. این واقعیت را دبیرکل کمیته هلندی "از بمب نوترونی دست بر دارید" مسابقه تسلیحاتی هسته ای را قطع کنید! یادآور شد. یورکسون، نخست وزیر

داران گروه ضدانقلابی "ک.و.س." "ک.و.ر." هستند. از آنجا که "همبستگی" نقش این گروه را بعهدہ گرفته است، رهبران "ک.و.س." - "ک.و.ر." دیگر نیازی به سازمانی مستقل رانمی بینند و گروهک خود را منحل اعلام کرده اند.

به عقیده "روده پروو" (چکسلواکی):

"انحلال گروهک ضدانقلابی "ک.و.س." - "ک.و.ر." چیزی جز مانور نیست. رهبران سابق آن از این پس به فعالیت در "همبستگی" خواهند پرداخت و این اتحادیه سندیگایی را به رویارویی با دولت خواهند کشاند. روزنامه "ژول نژول" نوستی (لهستان) در تفسیری بر کنفرانس گدانسک نوشت:

"نباید با گفتگو با کسانی که دولت خلق را به مبارزه طلبیده اند وقت تلف کرد. به آنها باید جواب دندان شکن داد."

از سوی دیگر، هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان اظهار داشت: "همبستگی" با کارزار تبلیغاتی خود علیه حزب و دولت به وخامت اوضاع کشوری افزایش یافته است. هیئت سیاسی ابراز امیدواری کرد که:

"نیروهای واقع بین در "همبستگی" تفوق یابند و این سازمان برای برون رفت از بحران و غلبه بر هر چه موجد دولت همکاری کند.

پارلمان است. هفته نامه لهستانی گزارشی - دهد، که رهبران "همبستگی" گام های دیگری را در راه دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای سوسیالیستی تدارک می بینند.

در این میان دور دوم کنفرانس گدانسک برگزار شد. بسیاری از سخنرانان به حملات ضدانقلابی علیه دولت لهستان، حزب متحد کارگری لهستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی ادامه دادند. آنها پیشنهاد های گوناگون خود را برای احراز قدرت و براندازی نظام سوسیالیستی مطرح ساختند. ضدانقلابیون خاطر نشان ساختند، که حاضرند تا برای پیشبرد دسیسه های براندازانه خود به قهر متوسل شوند.

دبیران سازمان های ایالتی حزب متحد کارگری لهستان به بررسی وظایف سازمان های حزبی در شرایط سیاسی کنونی پرداختند.

به گزارش خبرگزاری لهستان گردهمایی دبیران سازمان های ایالتی ضرورت تحکیم صفوف حزب و اجرای قاطعانه قوانین اقتصادی را، که پارلمان لهستان چندی پیش تصویب کرد، خاطر نشان ساختند. در این میان، "تریبونالودو" در تفسیری بر "کنفرانس همبستگی" در گدانسک نوشته است، که گرایش راست افراطی بر کنفرانس غلبه کرده است.

به نوشته این روزنامه: "نمایندگان این گرایش هوا-

به کمیته مرکزی "حزب متحد کارگری لهستان" و دولت این کشور کماکان نامه ها و قطعنامه هایی می رسد، که در آنها مردم خواستار اتخاذ تدابیر عملی برای مقابله با فعالیت های ضدانقلابی نیروهای ضد سوسیالیستی می شوند.

یکی از این قطعنامه ها در سمینار مارکسیسم-لنینیسم سازمان های حزبی کارخانه های منطقه کاتوویتسه به تصویب رسید. این قطعنامه به وضع فوق العاده وخیم لهستان "پس از مرحله اول" کنفرانس همبستگی "اشاره می کند، که در آن گرایش های ضدانقلابی غلبه داشت.

کارگران کاتوویتسه می نویسند: "ما اعتقاد داریم که هیئت سیاسی و کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان و دولت به تعرض دشمنان حزب، حکومت مردمی و سوسیالیسم جواب دندان شکن خواهند داد. باید از هر وسیله ای برای دفاع از سوسیالیسم استفاده کرد."

به گزارش یک هفته نامه لهستانی یکی از رهبران "همبستگی" خواستار تغییر نظام سیاسی کشور شده است. به گفته او، "همبستگی" می خواهد به بهانه خودگردانی نظارت بر اقتصاد لهستان را بدست گیرد، سپس "شوراهای مردمی" را به تصرف خود درآورد و از طریق آنها افراد خود را به سمت های بالابرساند. در مرحله بعد، هدف "همبستگی" نفوذ در

استقرار کماندوهای آدمکش "پورتوریا" در نامی بیا

سام نوبوما، رئیس سازمان خلق آفریقای باختری ("سواپو")، گفته است، که رژیم آفریقای جنوبی یگان های کماندویی ویژه ای را در نامی بیا اشغالی مستقر ساخته است. وی افزود: "نیروهای تنبیهی به سرکوب ددمنشانه عناصر مترقی و هواداران "سواپو" دست زده اند. زنان، کودکان و پیران قربانی تروریسم نژادپرستان می شوند."

دانشمندان آمریکائی

دروغهای هیگ را

فاش می کنند

یک پژوهش شبکه تلویزیونی "ان بی سی" نشان می دهد که دانشمندان آمریکا شاهدهی برادعای وزارت خارجه ایالات متحده درباره به اصطلاح استفاده از مواد سمی از سوی اتحاد شوروی و متحدان آن در افغانستان و آسیای جنوب خاوری نیافته اند.

وزارت خارجه آمریکا ادعای گستاخانه خود را بر پایه گیاهی مبتنی ساخته بود، که یکی از جاسوسان "سیا" از منطقه مرزی کامبوجیا و نایلند با خود آورده بود. دانشمندان آمریکایی خاطر نشان می سازند، که سمی که بر روی این گیاه کشف گردید، در گیاه دیگری نیز که در نزدیکی "کاخ سفید" می روید، یافت می شود.

وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد امپریالیسم آمریکا را

بیاد انتقاد گرفتند

وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد مخالفت خود را با انباشت جنگ افزارهای امحای توده ای و توسعه انواع مدرن تر اینگونه سلاح ها، به ویژه بمب نوترونی، ابراز داشتند. آنها در بیانیه ای، که در مقر سازمان ملل در نیویورک پخش شد به خطرات دگرترین آمریکایی "جنگ هسته ای محدود" اشاره کردند.

وزیران خارجه ۹۵ کشور غیر متعهد سیاست "واشنگتن" را در خاور میانه آفریقا، کارائیب و دیگر نقاط جهان را به بیاد انتقاد گرفتند. آنها در سند پایانی خود توی ایالات متحده آمریکا را در "شورای امنیت" علیه قطعنامه ای که در آن تجاوز آفریقای جنوبی نسبت به آنگولا محکوم شده بود، مورد نکوهش قرار دادند.

وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد نگرانی عمیق خود را درباره هم کاری ستراتیژیک میان "واشنگتن" و "تل آویو" ابراز داشتند. آنها سیاست خصمانه "واشنگتن" را علیه کوبا، نیکاراگوئه و گرنادا محکوم ساختند.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴

قابل توجه

نمایندگی های فروش اتحاد مردم در شهرستان ها. خواهشمند است حساب شماره های گذشته که کمک موثری به گردش کار این نشریه است، و جوه بدی خود را در اسرع وقت به شماره حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی تهران شعبه آریا شهر حواله و پیش آن را به آدرس صندوق پستی، ما ارسال فرمائید.